

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

«پنل بیست و دوم»

آینده موسسات پژوهشی کشور با تاکید بر ارزیابی آنها؛

مفاهیم، روش‌ها و تجارب جهانی

مهر ۱۳۹۷



میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

پنل بیست و دوم

آینده موسسات پژوهشی کشور با تاکید بر ارزیابی آنها؛

مفاهیم، روش‌ها و تجارب جهانی

مهر ۱۳۹۷

به نام خدا

شناسه گزارش

<p><b>اعضای پیل:</b></p> <p>دکتر نسرين نورشاهی (ریاست موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر عباس بازرگان (استاد دانشگاه تهران)، دکتر محمد کاظم جعفری (رئیس پژوهشگاه بین المللی زلزله)، دکتر بهروز ابطحی (رئیس پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی)، دکتر مصطفی مطلبی (رئیس پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک)، دکتر حسین میرزایی (عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی)، دکتر زهرا رنجبر (رئیس پژوهشگاه رنگ و پوشش) دکتر حجت اله حاجی حسینی (رئیس پژوهشکده مطالعات فناوری نوین)، دکتر غلامعلی منتظر (عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر کیانوش محمدی روزبهانی (نماینده مرکز تحقیقات سازمان سنجش کشور)، دکتر حجت اله مرادی پور (معاون مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، دکتر مسعود رضایی (مدیر دفتر نظارت و ارزیابی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، دکتر مهرانوش بازارگادی (عضو هیات علمی در ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور)، دکتر احمد گنجی (مدیر ارزیابی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران)، دکتر آرمان ساجدی نژاد (عضو هیات علمی ایرانداک)، دکتر یزدان ابراهیمی (مدیر پژوهشی موسسه)، دکتر احمدرضا روشن (مدیر گروه مطالعات و مدیریت در آموزش عالی)، دکتر غلامرضا ذاکر صالحی (عضو هیات علمی موسسه)، دکتر عباس رشنوادی (عضو هیات علمی موسسه)، دکتر مقصود فراستخواه (دبیر علمی میز)، سمیه سادات علوی تبار (رئیس دفتر پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران)، حسین سمیعی (کارشناس مسئول میز).</p> <p>تحریر مباحثات: ساناز یادگاری</p>	<p>شماره گزارش: پیل ۲۲، مهر ۹۷</p> <p><b>عنوان:</b>  <b>آینده موسسات پژوهشی کشور با تاکید بر ارزیابی آنها؛ مفاهیم، روش‌ها و تجارب جهانی</b></p> <p><b>دبیر علمی میز آینده پژوهی: مقصود فراستخواه</b></p> <p><b>تدوین کننده و کارشناس مسئول میز آینده پژوهی:</b>  <b>حسین سمیعی</b></p>
---	--

فهرست

صفحه	عنوان
۵	مقدمه: درباره پنل و روش کار
۲۷-۱۵-۱۴-۱۲-۵	دکتر نسرین نورشاهی: رئیس موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲۵-۱۲-۹-۶	دکتر عباس بازرگان: استاد و رئیس پیشین مرکز ارزیابی کیفیت دانشگاه تهران
۲۳-۱۵-۹	دکتر محمد کاظم جعفری: رئیس پژوهشگاه بین المللی زلزله شناسی و مهندسی زلزله
۱۹-۱۱	دکتر عباس رشنوادی: عضو هیات علمی گروه برنامه ریزی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
۲۷-۲۱-۱۲	دکتر مقصود فراستخواه (دبیر علمی میز)
۱۵	آقای دکتر غلامعلی منتظر: عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و عضو کارگروه نظارت مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم و تحقیقات
۱۸	دکتر مصطفی مطلبی: رئیس پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک
۲۰	دکتر حسین میرزایی: عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۲۱	دکتر احمد رضا روشن: مدیر گروه مطالعات و مدیریت در آموزش عالی
۲۲	دکتر مهرانوش پازارگادی: عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و عضو ستاد نقشه جامع علمی کشور در شورای عالی انقلاب در بخش ارزیابی دانشگاهها
۲۳	دکتر غلامرضا ذاکر صالحی: عضو هیات علمی موسسه
۲۴	دکتر کیانوش محمدی روزبهانی: نماینده موسسه تحقیقات سازمان سنجش
۲۶	دکتر حجت اله مرادی پور: معاون مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم
۲۷	دکتر احمد گنجی: مدیر ارزیابی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران



## مقدمه: درباره پنل و روش کار

بسیست و یکمین پنل آینده پژوهی آموزش عالی بررسی با حضور خبره ها و متخصصان موضوع با عنوان «**آینده موسسات پژوهشی کشور با تاکید بر ارزیابی آنها؛ مفاهیم، روش‌ها و تجارب جهانی**» ساعت ۹ الی ۱۲ روز چهارشنبه ۱۱ مهرماه ۹۷ در محل موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برگزار شد. در این پنل هر یک از اعضای پنل دیدگاه‌های خود را درباره موضوع فوق بیان کردند.



در ادامه ابتدا خلاصه‌ای از دیدگاه‌های هر یک از اعضا ارائه می شود:

### دکتر نسرین نورشاهی : رئیس موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی



در رابطه با نهاد خودجوشی که شکل گرفته که با ابتکار ۱۳ تا از نهادهای پژوهشی کشور شکل گرفته است از جمله پژوهش‌های پلیمر، رنگ، علوم انسانی، موسسه پژوهش، زلزله و ... این نهاد در واقع یک نهاد مشورتی و یک اتاق فکری را شکل داده که با دبیری آقای دکتر نیکو منش و سرکار خانم علوی می باشد. هدف نهاد این است که وضعیت پژوهشگاهها و موسسات پژوهشی که زیر مجموعه وزارت علوم هستند، در خصوص قوانین و مقررات، فعالیت‌ها، پژوهشگاهها، رویه‌هایی که در پژوهشگاههای عضو جاری و ساری می باشد و کلاً دیدگاه و نظری که وزارت علوم نسبت به این پژوهشگاهها دارد و جایگاهی که آنها در اقتصاد کشور دارند و بایستی ایفا کنند که در نهایت باید از منظرهای مختلف به مسائل ورود پیدا کنیم در جلساتی که دو هفته یک بار تشکیل خواهد شد و لیستی تهیه کردیم مثلا در رابطه با آیین نامه تحقیقاتی در نهادهای پژوهشی، یا مثلا بحث ساختار در موسسات پژوهشی، جایگاه این موسسات در پژوهشگاههای کشور، تعیین و ماموریت‌ها و اهداف موسسات پژوهشی اینها دیدگاههایی است که در این جلسات مورد بحث قرار می گیرد. پیشنهادهاتی را به وزارت علوم می دهیم که در سیاست‌ها، برنامه ریزی‌ها، رویکردی که به موسسات

پژوهشی دارند در واقع این نگاهها و نظرات مشورتی را لحاظ کنند. تقریباً دو سال و نیم است که این نهاد شکل گرفته و ما در این مدت دستورکارهای مختلفی داشتیم؛ بطور مثال یکی از دستورکارها این بود که در مورد جایگاه و مأموریت پژوهشگاهها و پژوهش های ملی کشور ما یک ارائه ای را با کمک و همکاری موسسات پژوهشگاهها وزارت علوم و تحقیقات ارائه کردیم و بعد قرار شد که این مأموریت ها و جایگاهها پخته تر و آماده تر شود برای ارائه در شورای معاونین و سپس در سازمان برنامه. کلاً نگاه و رویکرد پژوهشگاهها مقداری بهبود یابد و اصلاح و تکمیل شود و ما بتوانیم از این بابت به وزارت علوم کمک کنیم. یکی از دستورکارهایی که این کمیته و شورای مشورتی مورد توجه قرار داده این است که موضوع ارزیابی موسسات پژوهشی ورود پیدا کنیم و ببینیم که اصلاً ارزیابی موسسات پژوهشی و حوزه پژوهش چگونه است و مبانی نظری و الگوهای آن چیست و از منظر مسئولیتی که وزارت علوم در قبال پژوهشگاهها دارد، در سال گذشته خاطرم هست در یکی از این جلسات آقای دکتر شریفی به عنوان مدیرکل امور پژوهشی مطرح کردند که یکی از مسئولیت های دفتر پژوهشی این است که به بحث ارزیابی موسسه پژوهشی ورود پیدا کنیم و با همکاری دفتر نظارت و ارزیابی آقای دکتر مرادی پور را به همین دلیل امروز دعوت کردیم که حضور داشته باشند که به بحث ارزیابی موسسات پژوهشی هم وزارت علوم ورود پیدا کنند و مورد توجه قرار داده و در این مورد هم گفتگو کنیم و به اجماع و توافقی حاصل شود از این منظر چون موسسه ما به لحاظ جایگاه حرفه ای که دارد یکی از کارویژه های آن ارزیابی و تصمیم کیفیت و اعتبار سنجی است و جناب استاد آقای دکتر فراستخواه و آقای دکتر بازرگان از روسای اولیه این موسسه بوده اند و بنیانگذار مبانی ارزیابی و تضمین کیفیت در کشور هستند این بود که بنده در یکی از جلسات به شورای مشورتی پیشنهاد دادم که در واقع موسسه به عنوان یک نهاد حرفه ای جلسه ای را ترتیب دهد و ما با حضور نخبگان این بحث آقایان دکتر مقصود فراستخواه، دکتر عباس بازرگان، دکتر منتظر و دیگر دوستان که در این جلسه دعوت شده اند و از طرف دیگر ذینفعان و شرکای این نهادهای پژوهشی هستند. همچنین دفتر نظارت و ارزیابی که در ستاد وزارت این مسولیت انجام ارزیابی را بر عهده دارند با وجود این شرکا ما می خواهیم این بحث را باز کنیم و از منظر و الگوها، مبانی نظری مدل هایی که در ایران و جهان وجود دارد و از سوی ذینفعان یا از سمت شرکای ذینفع که ارزیابی آنها انجام خواهد شد و دیدگاه آنها را نیز ورود کنیم و به تعبیر آقای دکتر فراستخواه به نحوی مدل ها و الگوهایی که از آن صحبت می کنیم را اعتبار سنجی کنیم و ببینیم که چقدر این الگوها در بستر اجرای این الگوها می تواند جواب دهد نتیجه بخش باشد.

#### دکتر عباس بازرگان: استاد و رئیس پیشین مرکز ارزیابی کیفیت دانشگاه تهران

بحث بنده در اینجا درباره هدف ارزیابی نظام های پژوهشی و این که برای این منظور چه کارهایی انجام می شود. همچنین، اشاره می کنم که با توجه به تجربه کشورهای دیگر، چه پیشنهادی برای ارزیابی موسسه های پژوهشی در ایران می توان عرضه کرد. برای این منظور، ابتدا برخی تجربه های جهانی را مرور می کنم. سپس به مفاهیم ارزیابی پژوهشی اشاره کرده و به این سوال پاسخ می دهم که "فرآیند ارزیابی پژوهشی چگونه است؟ در این راستا، به ضرورت انجام ارزیابی درونی نظام های پژوهشی و انجام ارزیابی برونی آنها اشاره می شود. همچنین به چگونگی قضاوت در باره کیفیت نظام های پژوهشی پرداخته می شود.



نکته اولی که بایستی اشاره کنم آن است که در رابطه با ارزیابی نظام پژوهشی، برخی با تاسف فکر می کنند که خودمان بدون توجه به تجربه های بین المللی باید از صفر شروع کنیم. کارهایی که در این باره در برخی از نهادها انجام شده است، حاکی از آن است که به روند جهانی در باره نظارت و ارزیابی در نظامهای پژوهشی کمتر توجه شده است. تجربه های جهانی در این باره در مدت سه دهه گذشته بسیار قابل توجه بوده است. این تجربه ها را می توان در امریکا، کانادا، هلند، استرالیا و بویژه انگلستان ملاحظه کرد. در کارهایی که در باره ارزیابی نظام پژوهشی انجام می شود، ابتدا هدف ارزیابی مورد نظر قرار می گیرد. به عبارت دیگر، "منظور از ارزیابی پژوهشی چیست و در نهایت با انجام آن قرار است چه هدفی تحقق یابد؟" به عبارت دیگر، "آیا با ارزیابی می خواهیم به بهبودی نظام پژوهشی به پردازیم؟" یا این که ببینیم "مراکز پژوهشی کشور در مقایسه با یکدیگر و یا در مقایسه با مراکز بین المللی چه موقعیتی دارند؟" البته باید یادآور شد که رتبه بندی مراکز آموزش عالی و پژوهشی بیشتر مربوط به فعالیت هایی است که برخی نهاد های بین المللی برای کسب درآمد یا منظور های تبلیغاتی و امثال آن بعمل می آورند.

ما در ایران برای ارزیابی نظام پژوهشی باید ابتدا به این سوال پاسخ دهیم که "هدف از ارزیابی پژوهشی چیست؟ تا وقتی که این هدف بطور آشکار مشخص نشود، کارهایی که در این رابطه انجام می شود، نتیجه ملموسی در ارتقای کیفیت پژوهشی نخواهد داشت. وقتی به این سوال پاسخ داده شود، مشخص خواهد شد که مخاطبان ارزیابی چه کسانی هستند و از نتایج ارزیابی چگونه انتظار می رود استفاده شود. این استفاده توسط کدام سازمانها و برای چه منظوری باید انجام شود. به عبارت دیگر، انتظار داریم نتایج ارزیابی در راستای تحقق چه مقصودی به کار رود؟

سوال های دیگری که در این راستا مطرح می شود از این قرار است: پیامدهای ارزیابی نظام پژوهشی چیست؟ بر اساس نتایج ارزیابی چگونه و چطور اقدامات برای بهبود کیفیت پژوهش باید انجام شود؟ آیا وقتی قضاوت در باره کیفیت پژوهشی انجام گرفت، بر اساس آن تخصیص بودجه به موسسات پژوهشی بعمل می آید؟

در میان کشورهای موفق در ارزیابی پژوهشی، تجربه انگلستان قابل توجه است. این کشور بر اساس تجربه های گذشته خود، سیستم ارزیابی فعالیت های پژوهشی را که در سال ۲۰۰۸ آغاز شده بود، در سال ۲۰۱۴ مورد تجدید نظر قرار داد و رویکرد جدید ارزیابی کیفیت نظام پژوهشی را به اجرا در آورد.

رویکرد جدید ارزیابی نظام پژوهشی انگلستان تحت عنوان "چارچوب تعالی پژوهش" نامیده می شود. این چارچوب ارزیابی از نظر هدف ها و فرایند اجرا بسیار شفاف و در بهبود کیفیت موثر است. در اجرای سال ۲۰۱۴ این نظام ارزیابی، از نهادهای ذی ربط درخواست شده بود که خود را در معرض ارزیابی پژوهشی قرار دهند. در انجام این عمل هر نهاد پژوهشی باید به تهیه گزارش ارزیابی درونی می پرداخت و نسبت به وضعیت موجود سیستم پژوهشی خود براساس ملاک ها و نشانگرهای مورد نظر، مدارک و شواهد مربوط را عرضه می کرد. سپس ارزیابی برونی انجام می شد و مشخص می گردید که نهاد مربوط از نظر کیفیت پژوهشی در مقیاس بین المللی و ملی چه می کند و کیفیت آن چگونه است. در انجام این عمل واحد مورد ارزیابی یک رشته تخصصی علمی بوده است. در کل ۳۶ رشته علمی دانشگاهی در چهار دسته: (الف) علوم پزشکی و بهداشت، (ب) علوم پایه، (پ) علوم رفتاری، اجتماعی و هنر، (ت) علوم انسانی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

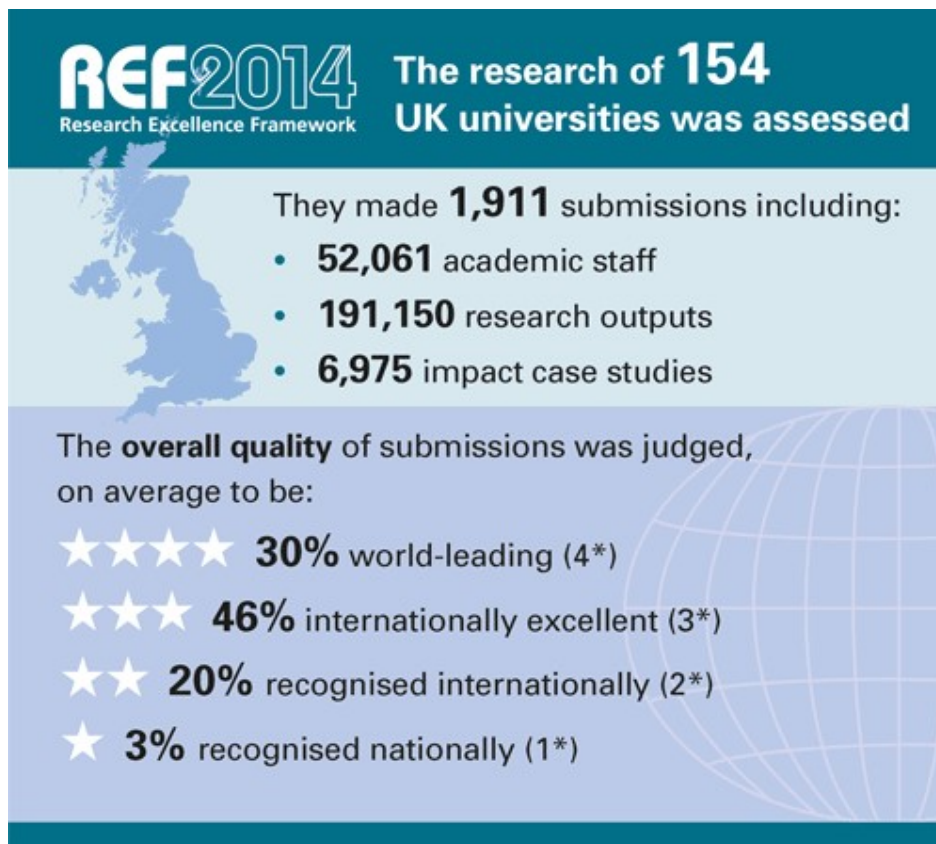
بر اساس نتایج بدست آمده از ارزیابی سال ۲۰۱۴، کیفیت پژوهشی دانشگاههای مورد ارزیابی، برحسب ملاک های مورد نظر، مشخص شد. این نهاد ها که شامل ۱۵۴ دانشگاه انگلستان بوده است، از نظر کیفیت پژوهشی در چهار سطح به شرح زیر دسته بندی شده اند:

- سطح یک) دانشگاههای پیشتاز جهانی؛
- سطح دو) دانشگاههای متعالی جهانی؛
- سطح سه) دانشگاههای تراز جهانی؛

<sup>1</sup> . Research Excellence Framework = REF

➤ سطح چهار) دانشگاه‌های تراز ملی.

در شکل (۱) به تفصیل این دسته بندی نشان داده شده است.



شکل ۱: نتایج ارزیابی فعالیت های پژوهشی در ۱۵۴ دانشگاه انگلستان در ۳۶ رشته دانشگاهی

Source: <http://www.ref.ac.uk/2014/>

فرایند ارزیابی در چارچوب تعالی پژوهش در انگلستان بر گزارش های ارزیابی درونی نهادها قرار دارد. دبیرخانه چارچوب تعالی پژوهش از نهاد های ذی ربط (دانشگاهها/موسسه های پژوهشی) درخواست می کند که، بر اساس ضوابط مربوط، داده ها و اطلاعات لازم برای ارزیابی رشته های مورد نظر را در زمان معین عرضه کنند. سپس، در دبیرخانه چارچوب، بررسی اولیه انجام می گیرد و درآمدی برای ارزیابی برون، با دعوت از گروه همگنان مرکب از افرادی از کشورهای خارجی در رشته های تخصصی که در سطح بین المللی نام آفرین هستند، ارزیابی برون انجام می شود. همان طور که اشاره شد، این ارزیابی در شش گروه عمده دانشگاهی و ۳۶ رشته دانشگاهی بعمل آمده است. لازم به یادآوری است که واحد مورد ارزیابی کیفیت پژوهشی یک رشته دانشگاهی بوده است. مثلاً در ۲۰۱۴ یکی از این رشته ها شیمی بوده است. درباره نتایج ارزیابی کیفیت این رشته ملاحظه می کنیم، دانشگاه کمبریج از نظر کیفیت پژوهشی در انگلستان قویترین بوده است و بقیه بعد از آن قرار دارند.



پژوهشی را که از آن نام بردید چه نوع پژوهشی است؟ مرز دانشی است؟ یا کاربردی و توسعه ای؟ مایل بودم بدانم چیزی که دارد طبقه بندی می شود از جنس "تحقیقات علمی" Scientific Research است یا "تحقیقات فناورانه" Technological Research که به یک توسعه و محصولی منجر میگردد؟

#### دکتر عباس بازرگان :

من، بعنوان یادگیرنده مداوم و پژوهشگری در حوزه روشهای پژوهش و ارزیابی آموزشی، نزدیک به پنج دهه است که در این زمینه فعالیت دارم. بین ارزیابی و پژوهش تفاوت قائل هستم، پژوهش برای پی بردن به واقعیت است ولی ارزیابی در پی ارزش گذاری پدیده ها است. ارزیابی (یا ارزشیابی) به معنی قضاوت کردن درباره یک پدیده بر اساس یک مجموعه قواعد است. وقتی می خواهیم به انجام ارزیابی نظام پژوهشی بپردازیم، ابتداء باید تعریف پژوهش را مورد نظر قرار دهیم.

در میان تعریف های مختلف در باره پژوهش، تعریفی که توسط جان دیویی در دهه ۱۹۳۰ میلادی عرضه شده است، کماکان مورد استفاده قرار می گیرد. این تعریف چنین است: **فرآیند جستجوی منظم برای مشخص کردن یک موقعیت نامعین.** موقعیت نامعین چیست؟ هر پدیده ای که برای ما نامعلوم، مجهول و یا آشکار نباشد، آن را می توان موقعیت نامعین نامید. به عبارت دیگر، پدیده ای که وضعیت فعلی آن و رفتار آینده اش نامشخص باشد موقعیت نامعین منظور می شود. ولی در این تعریف، مراد از **مشخص**

**کردن** چیست؟ در اینجا منظور از مشخص کردن، پی بردن به واقعیت است. اما، پی بردن به واقعیت یعنی چه؟

چگونه می توانیم مطمئن شویم به شناخت مورد نظر رسیده ایم؟ از چه طریق می توان تشخیص داد که به واقعیت می رسیده ایم؟ این که سوال کنیم: "واقعیت چیست؟" با یک سوال فلسفی سروکار داریم. بر اساس پاسخ به این سوال است که می توان روش انجام یک طرح پژوهشی را انتخاب کرد و طرح را انجام داد. معمولاً چهار دیدگاه فلسفی زیر بنایی معرفت شناسی را در این باره مورد نظر قرار می دهند.

یکی از معروفترین این دیدگاهها، اصالت تحصیلی (اثبات گرائی) است که برای پژوهش های علوم پایه مورد استفاده بوده است. براساس این دیدگاه، روش شناسی برای پی بردن به واقعیت الزام می کند که از طرح های آزمایشی با کنترل دقیق تمامی متغیرهای ناخواسته و مزاحم استفاده شود. ادامه بحث در این باره، رشته کلام را طولانی و منحرف می کند. لذا، برای پرهیز از اطاله بحث، از ادامه نکات مربوط به جنبه های یادشده، خودداری می نمایم و به اصل موضوع این جلسه می پردازم.

به منظور ارزیابی پژوهش، تعریف های دیگری برای آن می توان عرضه کرد. از این جمله، **فعالیتی که به جستجوی اصیل می پردازد و از طریق آن دانش حاصل می شود.** همان طور که قبلاً اشاره شد، تحقیق به دنبال پی بردن به واقعیت است ولی ارزیابی به دنبال گردآوری داده ها جهت ارزش گذاری، قضاوت و تصمیم گیری برای بهبودی است. اما، اگر بخواهیم درباره کیفیت پژوهش به ارزیابی بپردازیم باید نسبت به این کیفیت قضاوت بعمل آوریم. برای این منظور لازم است مرجع قضاوت مشخص باشد.



معمولاً<sup>۱</sup> در ارزیابی، مرجع قضاوت **استانداردها یا هدف های واحد** مورد ارزیابی است. چنانچه استانداردهای پژوهش در دسترس نباشد باید با توجه به هدف های واحد مورد ارزیابی (نظام پژوهشی) قضاوت را به انجام رساند.  
 با توجه به نکات یادشده، **هدف ارزیابی تحقیق** در یک نظام پژوهشی (رشته دانشگاهی/ نظام پژوهشی دانشگاه / موسسه / پژوهشگاه) پاسخ دادن به سه سوال است:

- (۱) تا چه اندازه برنامه های آن نظام در راستای رسالت و هدف بیان شده آن می باشد؟ و کیفیت برنامه های پژوهشی چیست؟
  - (۲) تا چه اندازه برنامه های تدوین شده بطور اثر بخش به انجام رسیده اند؟
  - (۳) آیا نظام پژوهشی ساز و کاری دارد که کیفیت فعالیت خود را بطور مستمر پایش کند و براساس آن نسبت به ارتقاء کیفیت تصمیم گیری نموده و عمل نماید؟
- به منظور بدست دادن چارچوب لازم برای ارزیابی یک نظام پژوهشی و در راستای پاسخ دادن به سوال های یادشده، یک الگوی **ارزیابی نظام پژوهشی**<sup>۲</sup> پیشنهاد شده است (همان منبع فصل دهم) که در اینجا به آن می پردازیم. برای انجام ارزیابی با استفاده از این الگو، باید هشت دسته ملاک اصلی را مورد نظر قرار داد. این ملاک ها به شرح زیرند:

۱. سیاست ها و راهبردهای پژوهشی؛

۲. رهبری و مدیریت برنامه های پژوهشی؛

۳. سازوکار پشتیبانی از فعالیت های پژوهش و دانش افزایی پژوهشگران؛

۴. تربیت پژوهشگران؛

۵. پیوند پژوهش و آموزش دانشگاهی؛

۶. کاربست یافته های پژوهشی؛

۷. مشارکت در پژوهش؛

۸. ارزیابی و ارتقای کیفیت پژوهش.

همان طور که قبلاً اشاره شد، برای ارزیابی فعالیت های پژوهشی می توان واحد مورد ارزیابی<sup>۳</sup> را یک رشته دانشگاهی یا کل نظام پژوهشی یک دانشگاه مورد نظر قرار داد. این که کدام **واحد ارزیابی** برای قضاوت در باره کیفیت اختیار شود بستگی به هدف ارزیابی دارد. برای مثال، اگر پائین ترین سطح مورد نظر باشد (مانند رشته شیمی در علوم پایه/ یا رشته آموزش عالی در علوم تربیتی و امثال آن) در این صورت هشت ملاک یادشده در باره رشته مورد نظر به کار می رود.

برای هشت ملاک اصلی یادشده ۲۷ ملاک فرعی تعریف شده است (همان منبع، صص ۳۰۰-۳۰۱). همچنین، برای هر ملاک فرعی نشانگرهای کیفیت پژوهشی تعریف شده است. برای مثال، به منظور اندازه گیری کیفیت ملاک فرعی (۱-۱) سه نشانگر به شرح زیر مورد نظر قرار می گیرد:

- ❖ **انجام دادن پژوهش بنیادی یا کاربردی** در رشته دانشگاهی مورد ارزیابی، به طوری که نهاد مورد ارزیابی به موقعیت یکی از مراجع علمی ملی یا منطقه ای و یا جهانی دست یابد؛
- ❖ **رقابت پذیری در انجام دادن پژوهش** در رشته دانشگاهی در سطح ملی یا منطقه ای یا جهانی؛

<sup>۲</sup>. بازرگان عباس و فراستخواه، مقصود (۱۳۹۶). نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی. (چاپ دوم) تهران سمت. (صص ۲۹۴-۳۲۵)

<sup>۳</sup>. unit of assessment

❖ رقابت پذیری برای دریافت منابع مالی به منظور انجام دادن پژوهش در در رشته دانشگاهی در سطح ملی، منطقه‌ای یا جهانی.

در فرایند ارزیابی درونی، باید داده‌ها و اطلاعات لازم برای بازنمایی وضعیت نشانگرها، با توجه به استانداردها یا هدف‌های واحد مورد ارزیابی، بدست داده شود. با تحلیل آن‌ها، قضاوت در باره کیفیت بعمل می‌آید و به منظور باز خورد و بهبود وضعیت موجود مورد استفاده قرار گیرد. نتایج ارزیابی، همچنین، برای برنامه ریزی راهبردی و یا برنامه‌های عملیاتی سازمانی مورد استفاده واقع می‌شود. البته پس از ارزیابی برونی، با ارزیابی برونی امکان مقایسه‌های ملی و بین‌المللی نیز فراهم می‌شود.

در یک نظام پژوهشی، مانند موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، برون داد نهایی موسسه گزارش‌های طرح‌های تحقیقاتی است که بصورت نشریه یا کتاب منتشر می‌شود. در این راستا، باید به پیامدهای حاصل از این گزارش‌های تحقیقاتی توجه کرد و قضاوت نمود که گزارش‌های تحقیقاتی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی تا چه اندازه درباره "موقعیت‌های نامعین" و دغدغه‌های آموزش عالی به تدوین و اجرای طرح‌های تحقیقاتی پرداخته و راه حل نشان داده است؟ البته برای قضاوت درباره کیفیت فعالیت‌های پژوهشی موسسه یادشده، از آنجا که استانداردهای ارزیابی در دسترس نیست، با توجه به هدف‌های ویژه‌ی موسسه باید به ارزیابی پرداخت. اما، ممکن است بیان شود که موسسه هدف‌های روشن و اندازه پذیر ندارد. در این صورت در قدم اول برای ارزیابی لازم است برای موسسه هدف‌های اندازه پذیر تعریف کنیم. بعد بر اساس آنها، ملاک‌ها و نشانگرها را مور نظر قرار دهیم و ارزیابی را انجام دهیم.

حاصل بحث یادشده آن است که چارچوب پیشنهادی ارزیابی نظام پژوهشی متشکل از ۸ ملاک اصلی، ۲۷ ملاک فرعی است. همچنین، برای هر ملاک فرعی تعدادی نشانگر تعریف شده است. برای ارزیابی وضعیت موجود هر نشانگر سه حالت منظور می‌شود: مطلوب=۳؛ نسبتاً=۲؛ نامطلوب=۱. در انجام این امر، ابتداء باید واحد مورد ارزیابی را مشخص کرد. سپس به ارزیابی درونی پرداخت. برای این منظور بر اساس نشانگرها، داده‌ها و اطلاعات لازم باید گردآوری و تحلیل شود. در فرایند قضاوت درباره کیفیت، می‌توان داده‌های کمی را بر یک طیف یا پیوستار قرار داد. محاسبات عددی می‌تواند کیفیت واحد مورد ارزیابی را بین دو سر طیف فوق نمایان کند.

دکتر عباس رشنوادی: عضو هیات علمی گروه برنامه ریزی موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی



دیدگاه‌های استاد بازرگان در رابطه با نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی در ایران همواره مورد استفاده بوده و هست. ایشان هر روز دیدگاه جدیدی را که مطرح می‌نماید در واقع افق جدیدی در این حوزه به روی ما گشوده می‌شود منتها واقعیت این است که صحبت‌های استاد بیشتر مبانی نظری و جنبه‌های تئوریک موضوع است. ما در حوزه کاربرد و عمل بدین مبانی مشکل داریم. نظام آموزش عالی ایران که نظام نظارت و ارزیابی در دل آن قرار دارد خود بصورت ریشه‌ای مقداری در حوزه عمل با چالش مواجه است. همین نظارت و ارزیابی طی دو دهه گذشته شروع به فعالیت نموده است کسی می‌تواند اینک خروجی‌های ملموس آن

را در یک گزارش ملی به اطلاع عموم برساند؟ به نظر می رسد نظام نظارت ، ارزیابی و تضمین کیفیت ما چه در حوزه آموزش و چه در حوزه پژوهش بلوغ اش به تعویق و تاخیر افتاده است، زیرا فعالیت دارد ولی خروجی ملموس خیلی کمی دارد. اشکال کجاست؟ باید عرصه عمل را مورد بررسی قرار دهیم زیرا ما از نظر تئوری شاهد کمبود در این حوزه نیستیم.

#### دکتر عباس بازرگان :

صحبت را در چند نکته خلاصه می کنم. ارزیابی پژوهشی بایستی یکی از دغدغه های مهم نظام های آموزش عالی و پژوهشی کشور باشد. نکته دوم، برای ارزیابی نظام پژوهشی باید چارچوبی برای ارزیابی درونی و برونی جهت بهبود مستمر کیفیت نظام پژوهشی منظور داشت. در این راستا، باید ساز و کار لازم برای ارزیابی وجود داشته باشد و افراد متبحر در ارزیابی به آن بپردازند. همچنین، برای بهبود مستمر کیفیت پژوهشی لازم است ساختار لازم برای گردآوری داده و اطلاعات - براساس ملاک ها و نشانگرها- مورد نظر قرار گیرد. چنانچه چارچوب ارزیابی مشخص باشد، سازمان ها خودشان می توانند بطور ادواری به ارزیابی درونی بپردازند. با ارزیابی برونی نیز امکان مقایسه فراهم می شود. با ارزیابی رشته های دانشگاهی از نظر پژوهشی، می توان به سطح بندی دانشگاه ها و سازمان های پژوهشی بپردازیم. مثل سطح بندی که برای آموزش عالی انجام شده است. واقعاً این سطح بندی دانشگاهها (بین المللی؛ ملی؛ منطقه ای کشوری؛ استانی) از نظر بهبود کیفیت یک قدم به جلو بوده است. از این تجربه می توان برای بهبود کیفیت نظام پژوهشی نیز پند گرفت و برای پژوهش نیز سطح بندی را مورد نظر قرار داد. در خاتمه این بحث، توجه علاقه مندان را به کتاب **نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی** ، که در سال ۱۳۹۶ دو دفعه چاپ شد ، جلب می نماید. فصل دهم این کتاب به تفصیل ملاک ها و نشانگرهای ارزیابی نظام پژوهشی را بیان می کند.

#### دکتر نسرین نورشاهی :

آقای دکتر جعفری برای پژوهشگاه زلزله فکر می کنند من برای پژوهشگاه خودم. آن ملاک ها ، نشانگرها را چگونه روی الگویی پیاده سازی کنم و چگونه ارزیابی درونی را راه بیاندام و یک مرحله بالاتر بروم همه ما دغدغه اجرا داریم که از آقای دکتر فراستخواه می خواهیم که در این رابطه ما را یاری کنند.

#### دکتر مقصود فراستخواه (دبیر علمی میز):

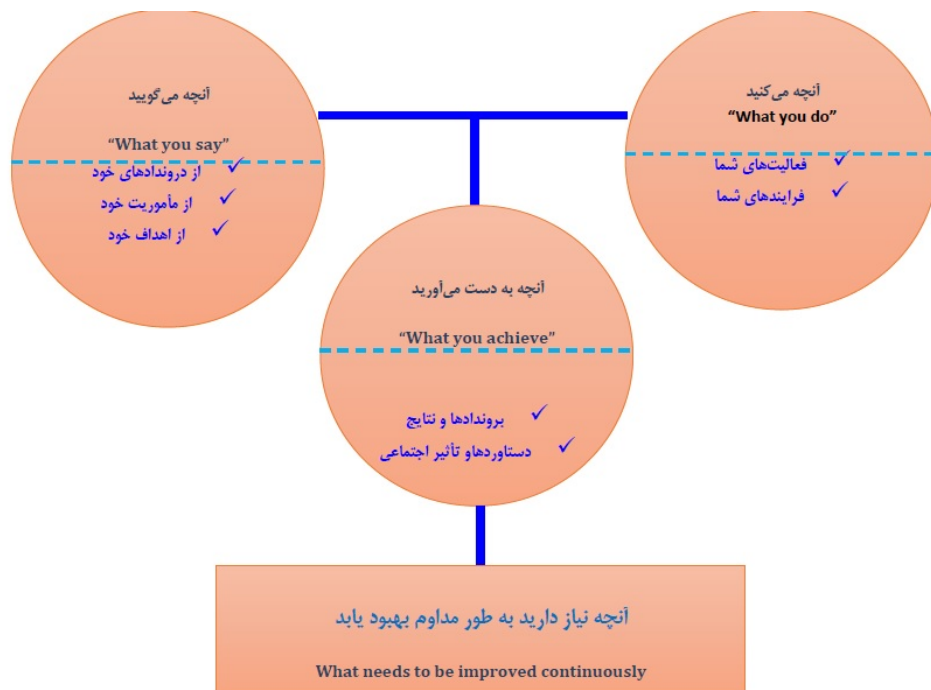
ضمن سلام وتشکر از همه میهمانان و اعضای پیل که دعوت میز را پذیرفتید، بحث هایی که استاد ارجمندمان آقای دکتر بازرگان عنوان کردند مدخلی بسیار مناسب و خاستگاه بسیار خوب برای این پیل شد. با همین بحث، شروع به گفت و گو درباره آینده مؤسسات پژوهشی در ایران با تاکید بر امر ارزشیابی کیفیت می کنیم و بحثی که جناب دکتر شروع کردند فضای اندیشه ای باارزشی برای این گفتگو فراهم می آورد. ما می توانیم ضمن توجه به شرایط ملی خودمان ، تجربه های جهانی را نیز در افق نظر داشته باشیم تا بتوانیم به چارچوبی برای ایران فردا برسیم. پیل ها می تواند افق گشایی برای آینده پژوهش در این سرزمین ونحوه ارزشیابی آن باشد. ما نیاز داریم به یک نقطه ارضمیدسی و یک اهرم که جهان خویش را جابجا کنیم و آینده خودمان را کنترل و محافظت کنیم؛ آن نقطه ارضمیدسی زیر پای شما اصحاب تحقیق وهمکاران تان در مؤسسات پژوهشی کشورمان است. افرادی که در پژوهشگاهها زحمت می کشند ومدیریت می کنند، در اینجا حضور دارند و به شکل هدفمند دعوت شده اند. این می تواند یک تمرین اولیه باشد با اینکه اشباع نیست . پس لطفا وارد بحث شوید تا در پلتفرمی که آقای دکتر بازرگان برای ما ایجاد کردند گفت گو کنیم. در جمع حاضر می بینم که ظرفیتی برای گفتگوی غنی هست با این هدف که به نقطه تعادل هوشمندی در عرصه تحقیقات سرزمین مان برسیم، بدین ترتیب که مؤسسات با مشارکت همه یاران و ذی نفعان درونی و بیرونی شان به طور مداوم ارزشیابی بشوند و بشکل موثر و نهادمند ، کیفیت خود را تضمین بکنند ونااطمینانی های آینده خویش را کنترل بکننداین نمی شود آلا با ایجاد شبکه هوشمندی از



خود موسسات پژوهشی و اصحاب تحقیق در ایران. حتی محققان ایرانی دور از وطن (دایاسپورای محققان ایرانی مقیم خارج) نیز در این شبکه لازم است حضور و نقش داشته باشند.



کل ارزشیابی این است که می خواهیم قضاوت عمومی درباره فعالیت ما تولید بشود و پاسخگویی اجتماعی درباره اعمال پژوهشی ما و نتایج و دستاوردهای آن وجود داشته باشد و رضایت ذی نفعان درونی و بیرونی علم تأمین بشود و حتی به چیزی بیش از رضایت آنها برسیم که همه «تحقیق معیار» در معنای سرآمدی و استانداردهای تعالی در تراز جهانی است. باید در این سرزمین بتوانیم وعیت و نتایج و برون دادها و پیامدهای تحقیقات مان را بتوانیم اندازه بگیریم، ببینیم، مشاهده کنیم و مرتب همه ذی نفعان درباره تحقیقات بتوانند داوری بکنند و مطمئن باشیم که آیا پژوهش در ایران مرهمی برای زخم های ملی ما می نهد یا نه. برای این کار روش علمی لازم داریم. ارزشیابی باید تا حد امکان عینی باشد اما نه به معنای اثبات گرایانه. باید به همراه ذینفعانمان قضاوت کنیم و بعد این قضاوت را به قضاوت عمومی برسانیم (Public Judgment).



رصد آینده مؤسسات پژوهشی باید از خود ما پژوهشیان شروع بشود، از وجدان حرفه ای خویش و از همدیگر بپرسیم که ما چه می کنیم، چه می گوییم، آیا آن اهداف زیبا و برنامه های گوشنوازی را که می گوییم اجرا می کنیم؟ یا در قفسه ها می ماند؟ چقدر تحقیقات درست را بدرستی انجام می دهیم و نتیجه برای جامعه ملی و بشری چیست؟ آیا از تحقیقات ما گرهی فروسته از گره های جامعه گشوده می شود آیا برای توسعه اجتماع و تقلیل محنت ها و بهبود شرایط بشری مؤثر می افتد؟ و مهمتر از اینکه آیا تحقیقات ما

پاسخگوی نیازهای نوپدید و تحول حال و بویژه آینده می شود؟ آیا تحقیقات ملی ما، مازادی تولید می کند؟ و چه فضیلت های تازه ای برای جامعه و بشریت ایجاد می کنیم؟

این چارچوب سرآمدی تحقیقات (Research Excellence Framework =REF) که استاد بزرگوارمان جناب دکتر بازرگان توضیح دادند لازم است هم ملی وهم منطقه ای و بین المللی باشد، محلی وجهانی باشد، لوکال و گلوبال باشد، گلوکال شود. ما مؤسسات پژوهشی کشور نیاز به چارچوبی داریم که به طور مداوم اطمینان عمومی ایجاد کنیم که تحقیقات ما دقت و صحت و اعتبار علمی لازم را دارد، هنجارها و اخلاق حرفه ای در آن رعایت می شود، به درد خدمت گیرندگان و مخاطب مان می خورد و همه ذی نفعان از نتایج این تحقیقات ما سودی می برند و مشکلات شان در روشنی پژوهش های ما حل می شود و تحقیقات ما می تواند نیازهای آتی این سرزمین را با پیش نگرایی های لازم منظور بکند و تأمین نماید و پاسخگو باشد. پیشنهاد من این است که گفت و گو کنیم و برای محافظت از آینده نامطمئن این سرزمین، چارچوب اولیه ای که مورد توافق مؤسسات و ذینفعانشان باشد به وجود بیاوریم، برسر استانداردهایی با اقتباس از ترازهای جهانی و نیازهای آینده کشورمان به توافق برسیم و بعد هر یک از این مؤسسات در درون خود ارزیابی درونی را راه بیاندازند و در درون خود یک کمیته ارزیابی درستی کنند نه به شکل اداری، بلکه آن نقطه هوشمندی از خود اعضای هیات علمی و ذینفعان باشد.

همه موسسه جمع شوند و بر اساس چارچوب ها، استانداردها، نشانگرها، ملاک ها و ..... ارزیابی درونی صورت گیرد و بنده وهمکارانم در این مؤسسه اعلام آمادگی می کنیم که می توانیم به شما در ادامه خدمات حرفه ای بدهیم؛ خدمات پژوهشی و تخصصی که بعد از آن ارزیابی بیرونی را داشته باشیم و سپس بین المللی که بتوانیم عضو نهادهای بین المللی ارزیابی پژوهشی و سرآمدی پژوهشی بشویم تا شبکه ملی خود را به این صورت ایجاد کنیم و به شبکه بین المللی کیفیت تحقیقات بپیوندیم.

بهترین و پاکیزه ترین راه جهانی شدن نظام دانشگاهی و پژوهشی در ایران، ارزشیابی و اعتبار سنجی است و راه مطمئن تری بهتر از این به ذهن این دانش آموز نمی رسد، چون وقتی اعتبار سنجی می کنیم، باید به ناگزیر بین المللی شویم چون در غیر این صورت نمی توانیم رقابت پذیری لازم در عرصه پژوهش های علمی داشته باشیم. همین الان ما به اشباع معرفتی رسیدیم و می توانیم گفت و گو کنیم. نتیجه گزارش این پنل به اعضاء ارسال خواهد شد تمام بحث های امروز پنل بایستی معطوف به آینده شود، ما به کجا میرویم؟ ما پرتاپ می شویم به آینده ای مبهم. کشور ما در منطقه پرمخاطره و در جهان پرمخاطره آن هم در عصر دانش و فناوری اطلاعات و ارتباطات که قدرت ماکول به دانایی است، چگونه می توانیم، این سرزمین را با سربلندی به نسل آینده تحویل بدهیم؟ آیا تحقیقات ما تأمین کننده نیازهای نوپدید و پاسخگوی آینده این کشور هست؟ چگونه آینده خود را محافظت کنیم و چگونه نااطمینانی های خودمان را قابل کنترل کنیم، حاصل پنل به اعضاء ارسال خواهد شد، امیدوارم آگاهی مفیدی ایجاد کند. برای اقدامات بسیار مثبت و موثر پیشنهاد من ایجاد یک گروه اقدام با ذینفعان از طریق همین پنل است که بحث های امروز را پیگیری بکنند.

#### دکتر نسرین نورشاهی :

بسیار خوب، با این توضیح، مسئولیت تهیه پکیج ارزیابی مؤسسات پژوهشی را این موسسه برعهده می گیرد و ما خودمان قرار شد پیش قدم شویم و مسئولیت تهیه آن مدل ایرانی ارزیابی پژوهشگاهها را خود موسسه پیشگام شود با کمک موسسه و پژوهشگاه و این مصوبه آخر این شورا هست. نمی خواهم بین خبرگی و اجرا خط کشی کنم، ولی یک مقدار اگر دوستان بخش اجرا اجازه دهند، آقای دکتر منتظر هم بعنوان یک خبره بهره ببریم و سپس وارد گفتگو شویم که هم از منظر اجرا و خبرگی

### دکتر محمد کاظم جعفری

ما قبل از اینکه بدنبال انتخاب یک نظام ارزیابی متناسب با جایگاه پژوهشگاهها باشیم دغدغه مهمتر نقش و ماموریت پژوهشگاهها در عصر حاضر را داریم. نظام ارزیابی بسیار خوب هم وقتی مفید و موثر خواهد بود که تکلیف مسئله و دغدغه اصلی روشن شده باشد. پس از گذشت قریب سه دهه از عمر پژوهشگاههای ملی که بسیار هم در زمان خود نقش خود را بخوبی ایفا کرده اند وقت پوست اندازی و بازتعریف ماموریت پژوهشگاهها، بویژه نقش آنها در چرخه تولید ایده تا محصول است. بنظر من دانشگاهها از این منظر مشکل کمتری دارند و تکلیف و ماموریت اصلی شان روشن است: تربیت نیروی انسانی. در هر رشته تخصصی تعداد واحدها مشخص، سرفصل دروس (اجباری و اختیاری) تعریف شده و نظام اخذ واحد هم شفاف؛ تکلیف دانشجو و استاد هم روشن. کیفیت و سطح دانشگاه ها هم کم و بیش با کیفیت و استعداد دانشجویان ورودی بستگی دارد. حال وقتی از دانشگاهها به سراغ پژوهشگاهها می آییم ماموریت سخت تر است: عرصه تحقیق عرصه کار در دنیای مجهولات برای تبدیل آن به معلومات و تلاش برای رسیدن به یک خروجی و محصول مشخص است. ما بایستی علاوه بر و شاید بالاتر از "تحقیقات علمی"، به "تحقیقات فناورانه" نیز بهای بیشتری بدهیم تا ضمن ارتقای سطح تکنولوژی، پیشرفت جامعه و رفاه مردم را نیز تامین کنیم. تفاوت تمرکز بر روی "تحقیقات علمی" بجای "تحقیقات فناورانه" تفاوت در سبک زندگی و سطح رفاه جامعه و مردم در "بلوک شرق" و "بلوک غرب" است. جایگاه و ماموریت پژوهشگاههای ملی دقیقاً از همین منظر بایستی باز تعریف شود؛ تحقیقات در حوزه Big Science و پژوهش در TRLهای بالاتر که انجام تحقیقات جمعی، چند رشته ای با هزینه های قابل توجه (بعضاً برای عبور از "دره مرگ" در TRL های ۴ تا ۷) را میطلبد، آیا مخاطب دیگری به غیر از پژوهشگاهها دارد؟

### دکتر نسرین نورشاهی

هدف این جلسه در رابطه با مدل ارزیابی پژوهش صحبت کنیم.

### دکتر محمد کاظم جعفری

صنعت در کشور ما متأسفانه R&D جدی ندارد. اگر تقاضا در این حوزه شکل نگیرد چه باید بکنیم. در عرصه آموزش تقاضای اصلی را نه نیاز صنعت و اقتصاد کشور، بلکه بیشتر نیاز اجتماعی مردم و علاقه آنها به تحصیلات عالیه فرزندانشان شکل میدهد و بابت آن سرمایه گذاری و پشتیبانی لازم هم بعمل میآورند. ولی صنعت اگر این تقاضا را از من مرکز تحقیقاتی نداشته باشد، تکلیف چیست؟

آقای دکتر غلامعلی منتظر: عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و عضو کارگروه نظارت مرکز نظارت و ارزیابی وزارت

### علوم و تحقیقات

بسم الله الرحمن الرحيم

گمان می کنم موضوع جلسه را باید از سه منظر مورد توجه قرارداد: پژوهش، ارزیابی پژوهش و آینده پژوهی پژوهش (که البته با آینده پژوهی ارزیابی پژوهش متفاوت است). به همین دلیل به مقتضای فرصتی که در اختیار بنده است، تلاش می کنم هر یک از موضوعها را اندکی باز کنم:



**الف. پژوهش:** در طی دو دهه گذشته بسیار از پژوهش سخن گفته‌ایم، جابه‌جا مقرراتی برای آن وضع کرده‌ایم، از برگزیدگانش تجلیل کرده‌ایم و خود را به صفت «پژوهشی» بالیده‌ایم. اما واقعیت این است که به رغم حضور دیرپای مراکز تحقیقاتی در کشور (که بعضاً مانند انستیتو پاستور به قدمتی صدساله نایل آمده‌اند) ما در تعریف پژوهش و سازمان‌دهی نظام پژوهش کشور کامیاب نبوده‌ایم. در حال حاضر بسیاری از مشکلاتی که در عرصه پژوهش مطرح می‌شود به نظام سیاستگذاری کلان و برنامه‌ریزی نهادی ربط دارد. واقعیت این است که ما در عرصه تقنین، اجرا و ارزیابی در حوزه‌های پژوهش با مشکلات عدیده‌ای مواجهیم. بنده به جد معتقدم ما هنوز پژوهش و پژوهشگر و پژوهشگاه را تعریف نکرده‌ایم. پژوهش در جامعه تشخیص ندارد؛ نام دارد ولی هویت ندارد!

سالها پیش توفیق داشتم در مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور در خدمت همکاران آن نهاد پژوهشی باشم. یک بار مرحوم آقای دکتر قانعی راد تعریف می‌کرد که فرزندش در پرسشنامه‌ای که در مدرسه به او داده بودند، شغل پدر را «پژوهشگر» نوشته بود، مدیر مدرسه پرسیده که پدرت چه کاره است و گفته در یک مرکز تحقیقاتی کار می‌کند و او هم «پژوهشگر» را خط زده و نوشته بود: «شغل آزاد!» اینکه عرض می‌کنم پژوهش هویت ندارد از این روست. در مقررات هم همین‌طور است: پژوهش همیشه تبصره آموزش بوده است! شما به قوانین و مقررات نگاه کنید: مجلس تصمیم خاصی درباره بودجه مراکز علمی می‌گیرد، نام مؤسسه‌های آموزش عالی را در قانون می‌آورد ولی مؤسسه‌های پژوهشی فراموش می‌شوند! در آیین‌نامه‌های وزارت علوم، مانند آیین‌نامه‌های استخدامی یا آیین-نامه ارتقا، اصالت به آموزش است و هر کجا به پژوهش مرتبط بوده، تبصره‌ای آورده و درباره آن نکته‌ای بیان شده است.

۲۰ سال است بر طبل پژوهش می‌کوبیم ولی واقعاً پژوهش سکه روز نیست. شما ببینید دانش‌آموختگان دکتری چقدر تمایل دارند به عضویت مؤسسه‌های پژوهشی در آیند؟ اصلاً ببینید نگاه ما در سیاستگذاری چگونه بوده: در آیین‌نامه وزارتی آمده است که اگر عضوی در دانشگاه سه سال پایه نگیرد جریمه‌اش این است که عضو هیئت علمی پژوهشی شود! یا شما می‌بینید ما برای کسانی که در مؤسسه‌های پژوهشی کار می‌کنند، نام نداریم: به یکی می‌گوییم «استادیار پژوهشی» به دیگری «دانشیار پژوهشی» اما در دانشگاه نمی‌گوییم «استادیار آموزشی»؛ یعنی اصالت به محیط آموزشی است حالا با قیدی، با تبصره‌ای آن را پژوهشی می‌کنیم. بدیهی است با این دیدگاه نظام پژوهشی رشد نمی‌کند؛ ممکن است در جایی براساس علاقه شخصی یا گروهی فعالیت پژوهشی شکل گیرد، تکامل یابد و نضج پیدا کند ولی آن نظام سامان‌مند که پژوهش را طراحی کند، هدایت کند و راهبری کند پدید نمی‌آید. به گمان بنده این موضوع در اختیار وزارت علوم و شورای عالی عتف است. آنجا باید این سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان صورت پذیرد و طبعاً نهادهای پژوهشی از آن باید خط بگیرند و مسیر حرکت خود را تنظیم کنند.

**ب. ارزیابی:** در مسئله ارزیابی چند نکته مهم را باید در نظر گرفت: ابتدا باید بپذیریم که هر نظام و سیستم پایدار ملتزم به استفاده از بازخورد/فیدبک است و از طریق این بازخورد است که سیستم می‌تواند خودش را اصلاح کند و مسیر حرکتش را تصحیح کند. اگر این مکانیزم وجود نداشته باشد سیستم نمی‌تواند ماندگار و پایدار باشد. در حوزه‌های نهادی و سازمانی این مفهوم با نام «نظارت/ارزیابی» مطرح می‌شود؛ بنده حتی معتقدم در نظام‌های نهادی و سازمانی ما نظارت/ارزیابی اولی بر همه فعالیت‌های سازمانی است و این موضوع مهم‌ترین وظیفه مدیران است که: «الله الله فی نظارتکم!» نکته دیگر اینکه این واژه تداعی کننده‌های مفاهیم دیگری است: ارزشیابی، نظارت، پایش، ممیزی و اعتبارسنجی. به گمانم لازم است مرادمان را از این واژه‌ها کاملاً مشخص کنیم. بنده نمی‌خواهم در

این جلسه به مفاهیم این واژه‌ها و خلط مفهومی که بین آنها رخ داده، ورود کنیم ولی اجمالاً باید عرض کنیم از دیدگاه بنده، «نظارت» به معنای پایش مسیر اجرای فرایندی است که در حال اجراست تا اطمینان حاصل کنیم وظیفه‌مان را داریم درست انجام می‌دهیم. از این زاویه، نظارت یکی از وظایف مدیریتی هر نهادی است که به کمک آن مدیر همراه با برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و تصمیم‌گیری، مطمئن می‌شود که فرایند طراحی شده برای تحقق هدف، خوب دارد انجام می‌شود و انحرافش از شاخص‌ها و استانداردها مقدار قابل قبولی است و در مقابل اگر جایی مسیر را خطا رفته‌ایم آنها را شناسایی و اصلاح کنیم. در مقابل «ارزیابی» ناظر به سنجش خروجی‌های فرایند است و اینکه آیا آن خروجی‌ها به نتایج مطلوبی رسیده‌اند یا نه. ویژگی مشترک هر دو مفهوم این است که هر دو از جنس بازخورد هستند و البته هر دو همراه با قضاوت‌اند اما به لحاظ حیطة عمل و فاعل آن متفاوتند: در نظارت ما خود فرایند را پایش می‌کنیم و در ارزیابی نتایج فرایند را. فاعل نظارت درونی است و نظام مدیریتی آن را انجام می‌دهد ولی فاعل ارزیابی برونی است و نوعاً نهادی مستقل از مدیریت فرایند، آن را می‌سنجد. به تعبیر دیگر «نظارت» می‌گوید آیا کارمان را درست انجام داده‌ایم؟ و «ارزیابی» می‌گوید آیا کار درستی را انجام داده‌ایم؟ با این توصیف، جنس ارزیابی چیز دیگری است و نه خود مدیریت بلکه گروهی یا نهادی دیگر باید ارزیابی را انجام دهند. این را هم باید عرض کرد که در ارزیابی چند نوع خروجی داریم: ممکن است خروجی از جنس «بروندادهای بلافصل و کوتاه مدت» باشد که از آن به «کارایی» تعبیر می‌کنیم؛ ممکن است از جنس «نتایج و پیامدهای میان مدت» باشد که از آن به «اثربخشی» یاد می‌کنیم و ممکن است از «جنس آثار بلندمدت» باشد که آن را «سودمندی» می‌نامیم.

با این توصیف اگر بخواهیم پژوهش را ارزیابی کنیم اولین پرسش این است که در چه سطحی داریم این کار را می‌کنیم: فردی، نهادی (و کدام نهاد: نهادهای آموزشی، نهادهای پژوهشی) یا موضوعی؟، پژوهش بخشی یا ملی؟ پرسش بعد این است که چه‌گونه‌ای از پژوهش را می‌خواهیم ارزیابی کنیم: «پژوهشی‌های علوم طبیعی»، «علوم مهندسی»، «علوم پایه»، «علوم اجتماعی»، «علوم انسانی»، «علوم کشاورزی» یا «هنرمعماری»؟ پرسش دیگر این است که چه نوع پژوهشی: پژوهش پایه، توسعه‌ای یا کاربردی؟ پرسش بعدی این است که کدام سطح مقطع (برش) از نظام پژوهش را می‌خواهیم ارزیابی کنیم: نظام سیاستی؟ دروندادهای پژوهش؟ کارایی پژوهش؟ اثر بخشی پژوهش یا سودمندی آن را؟ پس از اینکه اینها را مشخص کردیم حالا باید مدل ارزیابی را داشته باشیم یعنی بگوییم این حوزه پژوهش را کدام «ابعاد»، کدام «معیارها» و کدام «سنجه‌ها» می‌خواهیم بسنجیم؟

ملاحظه می‌فرمایید موضوع ارزیابی به شدت ظریف و دقیق و البته بسیار پیچیده است؛ به طوری که از کنار هم گذاشتن وجوه و زوایای فوق، به یک ماتریس چندین بعدی (تانسور) می‌رسیم و تا این موارد را مشخص نکنیم و بافتار بحث را تشریح نکنیم، نخواهیم توانست به نتیجه مطلوب برسیم. این را هم باید عرض کرد که در این حوزه، فعالیت‌هایی جدی در سطح جهان انجام شده و اسناد معتبری از سوی مراجع بین‌المللی منتشر شده مانند دستنامه فراسکاتی مربوط به OECD یا دستنامه اسلو یا دستنامه کانبرا که بسیار در پیشبرد امر کمک حالمان می‌تواند باشد.

متأسفانه ما در ایران هنوز نمی‌دانیم در ارزیابی پژوهش به دنبال چه هستیم و به همین دلیل است که بی‌آنکه منطق کارمان را مشخص کنیم دستگاه‌های مختلف به شکل موازی (و البته در بسیاری موارد متقاطع و حتی متراحم) شاخص‌هایی را بیان کرده‌اند: شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی عتف، وزارت علوم، معاونت علمی و فناوری، سازمان برنامه. طرفه اینکه مثلاً در وزارت علوم دو سه مرجع با دوسه نوع شاخص‌های مختلف (ولی متأسفانه بی‌هیچ نظریه مبنایی و مدل منطقی) به دنبال ارزیابی پژوهش بوده‌اند. این موضوع به رغم اهمیت حتی به لحاظ نظری هم به شدت با بی‌مهری و کم لطفی مواجه شده تا آنجا که مثلاً در کتاب «نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی» آقای دکتر بازرگان، که ذکر جمیلش در جلسه رفت، در حجمی بسیار معدود (حدود ۲۰ صفحه از کتابی حدود ۶۰۰ صفحه‌ای) و آن هم صرفاً به مقوله «پژوهش در دانشگاه» (و آن هم پژوهش‌های دانشجویی و پایان نامه‌ای) اشاره شده که طبعاً مبنای مناسبی برای ارزیابی نظام پیچیده پژوهش نیست.

**ج. آینده پژوهی پژوهش:** به گمان حقیر جای این بحث در این جلسه نیست و خود جلسه‌ای مجزا و مجالی فراخ می‌خواهد تا به این موضوع پرداخته شود. لیکن به اجمال عرض می‌کنم آینده پژوهش ارتباط وثیقی با آینده علم و فناوری دارد و هر آنچه که به عنوان «آینده‌های بدیل» علم و فناوری طراحی می‌شود در پژوهش تأثیری جدی دارد. به نظر می‌رسد ما برای تعیین «آینده مطلوب» علم و فناوری باید سازوکاری در کشور داشته باشیم. در حال حاضر نهادهای مختلفی را متولی علم در کشور می‌دانند: وزارت علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد نقشه جامع علمی کشور، معاونت علمی و فناوری، وزارت بهداشت، کمیسیون آموزش و تحقیقات

مجلس. هر یک از این نهادها هم برای خودشان کارها و وظایفی را تعریف کرده اند لیکن باید بپذیریم همه به دنبال کارهای آسان و سهل الوصول می‌روند و به همین دلیل اولاً موجب تزاخم فعالیت‌های دستگاه‌ها باهم می‌شود (که البته الآن به وفور مشاهده می‌شود) و ثانیاً کارهای اصلی و موارد مهم روی زمین می‌ماند (که باز شوربختانه به کرات چنین مواردی را می‌بینیم). یکی از این موارد همین آینده نگاری علم و فناوری است: مسئله‌ای مهم که نشان می‌دهد اولاً سناریوهای بدیل برای آینده علم در ایران چگونه است، ثانیاً سناریو مطلوب برای کشور کدام است و به تبع آن می‌توان دید چگونه باید برای تحقق آن سناریوی مطلوب (چشم انداز) برنامه‌ریزی کرد. در حال حاضر جایی مسؤولیت این کار را برعهده ندارد و راستش گمان بنده این است که اصلاً نیازی به اجرای چنین فعالیتی را حس نکرده‌ایم! در حالی که این فرایند، اولویت‌های علم و فناوری در کشور و به تبع آن اولویت‌های پژوهش را نشان می‌دهد و طبعاً این اولویت‌ها مانا نیست بلکه باید در دوره‌های منظم زمانی بازنگری و بازبینی شود مشابه کاری که در کشورهای دیگر مانند ژاپن، روسیه یا انگلستان رخ می‌دهد.

ببینید ما الآن سندی به نام نقشه جامع علمی کشور داریم که در آن بیش از ۱۵۰ اولویت برای علوم مختلف احصا شده است بی‌آنکه سناریویی بر آنها حاکم باشد. طرفه اینکه اساساً وقتی می‌گوییم ۱۵۰ اولویت، در اصل یعنی اولیویتی نداریم! ضمن اینکه این اولویت‌ها یک دهه پیش و بی‌آنکه ناظر به فعالیتی آینده پژوهانه باشد تدوین شده، آیا موقع بازنگری آن نرسیده است؟ به این نکته هم باید اشاره کرد که ارتباط میان این اولویت‌ها و برنامه‌های توسعه کشور و در سطحی دیگر میان این اولویت‌ها و برنامه‌های دستگاه‌های مسؤول، مانند وزارت علوم یا معاونت علمی و فناوری، مشخص نشده است. این وضع در دستگاهی مانند وزارت علوم بدتر است زیرا هیچ نگاهی به آینده و هیچ اولیویتی نه در آموزش، نه در پژوهش و نه در فناوری در سطح وزارت نداریم و بعد که به سطح نهادهای اجرایی، مانند پژوهشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و پارک‌ها می‌رسیم وضع از این هم اسفناک‌تر است. کدام پژوهشگاه را داریم که بگوید حوزه‌های پژوهشی مرتبط با خود را در آینده شناسایی کرده و براساس آن سناریوی موفقیت خود را نوشته است؟ کدام دانشگاه را داریم که از میان این همه کار خوب، مشخص کرده که کدام را نمی‌خواهد انجام دهد؟! همه می‌خواهند همه کارهای خوب را انجام دهند و به دلیل محدودیت منابع در عمل هیچ‌یک از آن کارهای خوب را نمی‌توانند کامل انجام دهند و به تکرار همان کارهای همیشگی (که البته همه هم همان را انجام می‌دهند)، می‌پردازند. به همین دلیل گمانم این است که ابتدا ما باید بر سر این مفاهیم پریسامد و پرکاربرد و البته نوین، چند معنا و پیچیده به توافق مفهومی برسیم و بعد از میان نهادهای موجود (نه اینکه برویم سراغ تأسیس نهادهای جدید) نهادی را مسؤول اجرای آنها بکنیم و بگوییم فقط همین یک کار را انجام بده نه اینکه همه کارها را نیمه بگذاریم.

از فرصتی که در اختیار بنده قرار گرفت، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

#### دکتر مصطفی مطلبی: رئیس پژوهشگاه ملی مهندسی ژنتیک



با این مثال شروع می‌کنیم اگر خدایی نکرده در خانواده فردی نقص ژنتیکی وجود داشته باشد، اگر فرزند آن خانواده بخواهد ازدواج کند و فرزند بیاورد، این نگرانی هست که نکند این نقص ژنتیکی منتقل شود، اینها به موسسه پژوهش ژنتیک وقتی مراجعه می‌کنند و ما ۳۰۰ تست می‌گیریم و نتیجه را عنوان می‌کنیم این در تخصص ما هست و بقیه موسسات نمی‌توانند. بودجه پژوهشی سال قبل را ببینید، دانشگاه‌ها ۱۰۰٪ گرفتند اما پژوهشگاه‌ها ۸۴٪ بودجه را دریافت کرده اند. وقتی می‌خواهیم در غالب علوم انسانی آن را قرار دهیم، دیگر ما متخصص نداریم و پیشگویی ژنتیکی نیست، اینجا دیگر حوزه علوم انسانی بایستی کمک کند و راه حل دهد.



بودجه پژوهشی سال قبل پژوهشگاه خودم (ژنتیک را مثال می‌زنم) پژوهشگاه ما ۲۰ میلیارد بودجه داشته با ۷۰ نفر هیات علمی داریم. وقتی ۱۶٪ بودجه را نمی‌دهند، یعنی ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون نمی‌دهند و بقیه پول آب و برق و گاز و غیره صرف شده و آن هزینه‌ای که برای پژوهش بوده خرج شده، خوب من می‌خواهم این را نظارت کنم، کج خلقی می‌کنیم در نظارت و ارزیابی بایستی برون داد را هم ببینیم. اتمسفری که در کشور داریم چه تاثیری دارد، ما به لحاظ تخصصی بایستی بعضی از وسایل را از خارج تولید کنیم همه کشورها اینطور است.

همه مسائل به هم مرتبط می‌شود و چیزی که بدرستی اشاره می‌کنید آیین نامه ارتقاء است که اگر شما در جاده‌ای می‌روید و مسیر را طبق تابلوها می‌روید تا به مقصد برسید. اما آیین نامه ارتقاء تابلویی هست که با توجه به رفع نیازهای کشور نیست. اگر می‌خواهیم مشکلی در کشور حل شود بایستی شبیهی را ایجاد کنیم که افراد در آن شیب حرکت کنند. سر بالایی نباشد که مجبور شویم هل دهیم و ما با این آیین نامه سربالایی ایجاد کردیم و با توجه به اینکه پژوهشگاهها باید به مشکلات کشور پاسخ دهند. همه راهها را می‌بندد که اینپکت اجتماعی داشته باشیم.

ما ۸ یا ۷ دستورکار داریم که یکی ارزیابی پژوهشگاهها است، به نظر من رتبه بندی درست نیست، ولی دسته بندی مناسب است. ارزیابی‌ها بایستی مدون شود و به وزارت علوم گفته شود. الان به نظر من پژوهشگاههایی که این وظیفه را دارند، پیش بینی می‌کنند بگویند نظام ارزیابی اینچنین است این را باید به گوش مسئولین رساند که جا بیاندازند. این انتظاری است که ما از موسسات متخصص انتظار داریم که کمک کنند.

#### دکتر عباس رشنواد

برای اینکه وارد حوزه عمل شویم نظام نظارت و ارزیابی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را باید مورد ارزیابی قرار دهیم و به دقت بررسی کنیم چرا بلوغ آن به تاخیر افتاده است. این میانی را ما همیشه در سخنرانی‌ها، جلسات و اسناد که به وفور تولید شده می‌بینیم و می‌شنویم. چرا در عمل کاربست درستی از آنها نداریم. چرا نظام نظارت و ارزیابی آموزش و پژوهش کشور هنوز نتوانسته هویت ملی و شاخص خود را مطرح کند؟ مثلاً بصورت رسمی بگویند من به دنبال پیامدها، شایستگی‌ها، فراینده و چه ارزش‌هایی هستیم. در حقیقت ما هم اینک نمی‌توانیم چنین تعریفی را از نظام نظارت و ارزیابی مان ارائه دهیم و این یک چالش است. زیرا وقتی بازیگران درست ندانند هدف نهایی چیست اساساً بازی‌شان برای آنان نامفهوم است. مشکل عمده دیگری که داریم این است که هنوز در نظام آموزش و پژوهش مان واحد بنیادی تحلیل را مشخص نکردیم و مثلاً نگفتیم که واحد بنیادی تحلیل ما در حوزه پژوهش پژوهشگر است، گروه پژوهشی هست، واحد پژوهشی هست، نتایج پژوهشی است چه چیزی است. این یک معضل و ضعف آموزش عالی است که ما هنوز نتوانستیم بعد از دو دهه واحدهای تحلیل را برای حوزه آموزش و پژوهش رسماً معرفی کنیم. شما حوزه صنعت را بنگرید واحد تحلیلی کارگاه است چرا ما در آموزش عالی چنین واحدی را برای تحلیل معرفی نکردیم؟! از دیگر ضعف‌های ما عدم تربیت نیروی حرفه‌ای برای نظارت و ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش و پژوهش است. ما در نشست‌ها و جلسات این میانی نظری را می‌شنویم و خوشمان هم می‌آید ولی نتوانستیم یک تیم حرفه‌ای نظارت و ارزیابی در حوزه مثلاً پژوهشی تربیت کنیم که اگر می‌خواهند پژوهشگاهی را ارزیابی کنند همگان به نظر کارشناسی‌شان گردن بنهند. کار به جایی رسیده نظام نظارت و ارزیابی ما در حوزه تولید و تعریف شاخص انگار دچار سندرم نشانگر، طراحی و تعریف نشانگر شده ایم و هر جا سندهای کاری این حوزه می‌روند، تعداد نشانگرها بیشتر و بیشتر می‌شود. من نگرانم تا جایی که اینقدر نشانگر کم بیاوریم که مثل صدا سیما از "حجم گوش بازیگر" یا حجم موی افراد آکادمی سخن به میان بیاوریم!!، ما اگر ۱۰ استاندارد ملی را در یک مرجع تعیین نمودیم آنگاه هی نشانگر تعریف کنیم چرا مرجع خاصی برای تعیین و ابلاغ استانداردهای ملی نداریم و اگر شورای عالی نظارت تعریف کردیم این مهم را شروع نمی‌نماید. تا زمانی استانداردها تعریف نشوند چی را با چه چیزی باید مقایسه نمود؟ می‌گویند شورای نظارت تشکیل دادیم هنوز یک استاندارد آنجا تبیین و ابلاغ نشده است و تا وقتی استاندارد مشخص نشود، کار ما عقیم است و ما هنوز به آن چه می‌خواستیم نرسیده ایم، وقتی ما خوب قضاوت نکنیم، نظارت چه فایده دارد، وقتی ما سندی می‌نویسیم، بلافاصله به تکلیف قانونی

ارجاع می‌دهیم و در قفسه قرار می‌گیرد و همانطور که آقای دکتر فراستخواه فرمودند ما سندرم قفسه گرفتار شده ایم، خروجی نظام نظارت و ارزیابی ما چیست؟ به نظر بنده در نظام کلان نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت ما الگوی CIPP "سیپ" حاکم است ولی در موسسات پژوهشی باید تمرکز کنیم بر چهارمین مولفه که product است و بگوییم دستاوردهای کوتاه مدت (Output) ، دستاوردهای میان مدت (Outcome) و دستاوردهای بلندمدت (Impact) کار پژوهشی و پژوهشگران ما چیست؟ ما باید در حوزه نظارت مراکز پژوهشی به این موارد تمرکز کنیم.

- ۱- ارائه تعریف روشن و شفاف از هویت نظام نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت مان از منظر هدف شناسی نهایی.
- ۲- تعریف و توافق بر روی واحد تحلیل مثلا پژوهشگر، گروه پژوهشی یا پژوهشگاه مورد نظر ما برای تحلیل است.
- ۳- اقدام فوری در زمینه تربیت نیروی متخصص و رفتن به سمت نظارت و ارزیابی حرفه ای (ما اینک ناظر و ارزیاب حرفه ای نداریم).
- ۴- از تولید و تعریف شاخص ها و نشانگرهای بیشتر و گاهی بی معنی خوداری شود در عوض استاندارد ملی تعریف و ابلاغ کنیم.
- ۵- از ارزیابی سنتی فاصله بگیریم و به سوی نظام ارزیابی برخط پیش برویم.
- ۶- ظرفیت های نظام نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت را متناسب با مأموریت های محوله ارتقا دهیم.

دکتر حسین میرزایی: عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی



آینده موسسات پژوهشی کشور چگونه خواهد بود؟ چگونه باید باشد و پیش‌نیاز این حرف این است که وضعیت موسسات پژوهشی کشور در حال حاضر چگونه است؟ ارزیابی با رویکرد صحیح علمی خیلی می‌تواند کمک کند و ما باید بدانیم برنامه های پژوهشی گروهها و اعضای موسسات چیست؟ یکی از بحث هایی که به نظرم نیاز داریم توجه بکنیم این است که وضعیتی که ما هم اکنون داریم یک چالش جدی است. هر موسسه ای، چه از لحاظ کاربردی و چه توسعه ای بایستی مورد ارزیابی درونی و بیرونی قرار گیرد. البته بحث من آسیب شناسی نیست بلکه شناخت وضعیت موجود است که اگر قرار است برای آینده بعنوان وضع مطلوب برنامه ریزی کنیم اول قدم همین شناختن دقیق و فنی وضعیت موجود است بعد از آن است که می‌توانیم برای چشم انداز مطلوب آینده هدف گذاری کنیم. در مجموع حوزه های پژوهشی، با انواع چالش ها مواجه است که از طریق ارزیابی دقیق شناسایی می‌شوند. ، ضمن اینکه افراد اصیلی در این موسسات پژوهشی فعالیت دارند ولی بخشی از اعضای هیئت علمی پژوهشی تعداد واحدی که تدریس میکنند چه بسا بیشتر از واحدهای اعضای هیات علمی آموزشی است (نه در حد متعارف دو واحد یا ۴ واحد). این به طور عموم وجود دارد و جالب این است که هیچ نفع اقتصادی هم ندارد. دانشگاه ها در کشورمان اگر یک کار بخواهند انجام داده باشند، آن کار مطمئنا بحران شناسی و مسئله شناسی است که ضعیف بودیم. برای همین هم از عهده حل پیش نگرانه بحران ها همیشه در می‌ماندیم. اینکه بحران و مسئله چیست، دانشگاهها خیلی صحبت کردند و همایش گذاشتند. اما در عین حال نسبت به آنچه باید باشیم خیلی فاصله داریم. اکنون چاره ای نداریم جز اینکه بدیهیات عقلی را که موسسات پژوهشی و آموزشی بایستی انجام دهند را یادآوری



کنیم و هر طرح که به اجرا در می‌آوردیم و حرکتی که می‌کنیم را ارزیابی کنیم تا بتوانیم به آن نتیجه مطلوبی که می‌خواهیم دست یابیم.

#### دکتر مقصود فراستخواه :

درک من این است که پلتفرم خوبی فراهم شد. دکتر بازرگان به ما یک نگاه سیستمی ارائه کردند که در آن نهاده و فرایند و ستانده بدقت تعریف شده است. دکتر جعفری هم بحث خوبی را شروع کردند که همان تقاضاست و به سیستم اطلاعات لازم جهت می‌دهد، معلوم شد که سیستم در خلأ نیست و سرشار از محیط است. دکتر مطلبی بودجه را که درونداد است فرمودند و دکتر منتظر آیین نامه ارتقاء و سیاست‌ها را فرمودند که جزو درون داد است، در نتیجه همه بحث‌ها ما را به یک همگرایی خلاق و توافق اصولی سوق می‌دهد. تمام این سیستم را باید ارزیابی کنیم، ما هرگاه مکانیکی نگاه کردیم، کلیت را فراموش کردیم، مرتب افراط و تفریط کردیم. الان همه می‌گوئیم آیین نامه ارتقاء مقاله را محور قرار داده و پژوهش را دیده و آموزش فراموش شده است. پس این نگاه سیستمی به ما می‌گوید، وضعیت را ببینیم آقای دکتر بازرگان به ما آموختند که بهترین رویکرد برای ارزشیابی در ایران، رویکرد انتقادی و مشارکتی است و نه اثبات‌گرایانه و کنترل‌گرایانه و بوروکراتیک از بالا. بحث‌ها می‌تواند یک نوع ارزشیابی انتقادی باشد از موسسات پژوهشی در کشور چه عملکرد خودشان، چه محیط‌شان، چه حمایت‌هایی که می‌شوند، چه نگاهی که به این موسسات صورت می‌گیرد. در آخر اینکه ارزشیابی و آینده‌نگری با هم هستند. برای اینکه آینده را کنترل کنیم، باید پیش‌بینی‌ها را ببینیم چه چیزهایی ما را پرتاب می‌کند به آینده؟ با این بودجه با این آیین نامه ارتقاء به کجا می‌رویم؟ برای اینکه آینده را ببینیم، باید عارضه‌ها را ببینیم، چه چیزهایی ما را به آینده مبهم پرتاب می‌کند، بشناسیم و کنترل کنیم. باید یک بیانیه‌ای از این بحث بدست بیاوریم، تا بدست وزیر برسد و ببیند که موسسات پژوهشی یک بیانیه ارزشیابی جدی ملی ارائه داده‌اند. این بیانیه باید مشخص بکند که سیاست‌ها چه مشکلاتی دارند، فرایندها چه مشکلاتی دارند و همینطور چیزهای دیگر. با رویکرد ارزشیابی انتقادی به سوی آینده عزیمت بکنیم. با نگاه به آینده و تاکید به چالش‌ها، عارضه‌ها و مهم‌ترین مخاطراتی که در پیش روی عملکرد موسسات پژوهشی وجود دارد.

#### دکتر احمد رضا روشن: مدیر گروه مطالعات و مدیریت در آموزش عالی



تا اینجای کار که دقت کردم، من نقدی به روند مباحث مطرح شده در این جلسه دارم که بیشتر ناظر بر آسیب‌شناسی وضع موجود بود. البته هر چند بررسی دقیق وضع موجود ما را برای شناخت آینده کمک می‌کند اما به هر حال، این موضوع نباید در مرکزیت مباحث قرار گیرد. اگر از من بپرسید مباحث مطرح شده در این نشست، مفید بود می‌گویم بله. اما اگر بپرسید آیا مباحث مطرح شده پیرامون موضوع اصلی جلسه بود می‌گویم نه.

بهتر است یکبار دیگر عنوان این پنل را مرور کنیم: آینده موسسات پژوهشی با تاکید بر ارزیابی آنها؛ مفاهیم، روش‌ها و تجارب جهانی توجه داریم که ما در یک پنل آینده پژوهشی قرار داریم و قاعدتاً بایستی مباحث مطرح‌شده در این نشست حول محورهای: ۱- آینده موسسات پژوهشی کشور (یعنی اینکه مثلاً مدیریت موسسات پژوهشی به کدام سو می‌رود؟ تأمین مالی و مسائل اقتصادی موسسات

پژوهشی به شکلی خواهد بود؟) ۲- آینده ارزیابی موسسات پژوهشی ( یعنی اینکه مثلاً آیا در آینده مدل ها و فرایندها و سازماندهی ارزیابی با آنچه امروز با آن مواجهیم متفاوت است؟ اگر آری، این تفاوت ها چیست؟ در آینده ارزیابی درونی و بیرونی به چه شکل خواهد بود؟ چه بازیگرانی وارد عرصه ارزیابی می شوند و چه بازیگرانی احتمالاً از این عرصه کنار می روند؟) ۳- تجارب جهانی در مورد موسسات پژوهشی و ارزیابی آنها ( یعنی اینکه مثلاً کلان روندهای تحقیق در جهان به چه صورتی خواهد بود؟ کدام بخش ها تضعیف و کدام بخش ها تقویت می شود؟ نمونه های کشورها و سازمان های موفق ارزیابی موسسات پژوهشی در جهان کدامند و چه درس هایی از موفقیت آنها برای ایران می توان آموخت؟)

بنابراین، پیشنهاد می شود برای اینکه این جلسات، کارایی و اثربخشی بیشتری داشته باشد، این موضوع در جلسه دیگری حول نکاتی که مطرح کردم برگزار شود.

دکتر مهرانوش بازارگادی: عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و عضو ستاد نقشه جامع علمی کشور در شورای عالی انقلاب در بخش ارزیابی دانشگاهها



در تایید فرمایشات استاد گرامی جناب آقای دکتر بازرگان ما ۵ موسسه پژوهشی سازمان آموزش و ترویج کشاورزی را با همین متدولوژی، ارزیابی درونی کردیم، متدولوژی بسیار خوب هست، اما آنچه بعنوان ملاک ها استفاده می شود . دقیقاً باید با اهداف و مأموریت آن موسسات مطابقت داشته باشدو همچنین به استانداردها توجه شود. ما الزامات و اهداف موسسه را به عنوان استاندارد تلقی کردیم. بدین ترتیب که پس از تعیین اهداف کلی ، اهداف جزئی را به عنوان استاندارد مشخص شد. مطمئناً چون در سازمان تحقیقات طیف وسیعی از مراکز تحقیقاتی متفاوت وجود دارد ، ۵ موسسه بصورت آزمایشی ارزیابی درونی شدند. نتایج بیانگر تفاوت بسیاری بین این مراکز بود. ملاک های کلی مطرح شده برای مجموعه های بزرگتر که پژوهشگاهها باشند کاملاً مناسب است . اگر بخواهیم پژوهشگاه را مورد ارزیابی قرار دهیم این ملاک ها کار ساز است . اما الگوی درون داد، فرآیند ، برون داد واسطه ای برون داد نهایی و پیامد کاملاً برای ارزیابی درونی موسسات پژوهشی کوچک و بزرگ قابل استفاده و بهره برداری است. در بررسی موسسات پژوهشی انجام شده ، در قسمت پیامدها دستاوردها بسیار کم بود، یعنی پیامد هایی که باید در جامعه تاثیراتش دیده شود و به نیازهای جامعه و توسعه کمک کند اندک بود، ولی در رابطه با برون دادهای واسطه ای و نهادی، نتایج بسیار زیاد و خوبی بدست آوردیم. مثلاً در تولید علم، نشر مقالات.

این نمونه را به این دلیل عرض کردم، که اگر شروع به کار کنیم و این تمرین را داشته باشیم در حین کار بهتر مشکلات مشخص شده و برطرف می شود. طی مدتی که اینجانب به عنوان مشاوره، این کار را انجام دادم، تجارب خوبی را بدست آمد. البته موارد مطرح در مورد اهداف و عملکرد پژوهشگاهها نیز حائز اهمیت است. بطور مثال: آیا ابزار کافی و تجهیزات را نداریم یا بگوییم اصلاً راه را بی راهه رفتیم یا یک جاهایی اینها به هم برخورد می کند. اشکالاتی که ما به لحاظ تکنیکال - فرهنگی - اجتماعی در

جامعه و تحقیقات داریم و اشکالاتی که در عمل موسسات پژوهشی با آن مواجه می شوند خود مقوله مفصلی است. در ارزیابی درونی انجام شده نتایج در سه رده یا دسته تقسیم شدند، یک دسته از مشکلات برای برطرف شدن به وزارت جهاد کشاورزی مربوط میشدند. دسته دیگر از اشکالات را سازمان تحقیقات و دسته سوم را خود آن پژوهشکده یا مرکز تحقیقاتی باید برطرف می کرد.

در ابتدا همکاران موسسات پژوهشی تصور می کردند که هدف ارزیابی زیر سوال بردن کار آنهاست. و می خواهیم صرفاً کار آن ها مورد نظارت و ارزیابی قرار دهیم. نکته مهم فرهنگ سازی ارزیابی است و مشارکت جویی در این کار مهم ارزیابی یک کار دسته جمعی است و با همکاری همه افراد اشکالات بخوبی قابل برطرف شدن است و در دفعات بعدی با نتایج خوبی مواجه خواهیم شد و بهتر و سریعتر عمل می کنیم

پیشنهاد بنده این است که اگر موافق باشید و آقای دکتر بازرگان و دکتر فراستخواه اجازه دهند هر چه زودتر ارزیابی موسسات پژوهشی شروع شود. کمیته ها را تشکیل دهیم پایلوت هم شده این کارها سریعتر آغاز شود و من معتقدم دست به عمل که می بریم نتیجه کار بهتر می شود. هزاران مشکل وجود دارد ولی خیلی از آن ها می تواند توسط خود موسسه برطرف شود و یا توسط خود پژوهشگران قابل حل خواهد بود.

#### دکتر محمد کاظم جعفری

در بعضی وزارت خانه ها نظیر جهاد کشاورزی و بهداشت، عرصه تحقیق و آموزش در حقیقت عجیب با حرفه است و مشکلات آن ها در پاسخگویی به تقاضاهای حرفه خیلی کمتر از ماست. ما در خانواده آموزش عالی، بایستی خارج از وزارت عتف تقاضا ها را شناسایی و تعریف مسئله کنیم. پژوهشگاههای ملی البته بایستی حتی نقشی فراتر از این هم داشته باشند. پژوهشگاهها میتوانند در حوزه تخصصی خود راهبرد نظام علم و فناوری برای کشور را تعریف (نظیر مراکز بزرگ تحقیقاتی دنیا) و در تحقق هرچه بهتر آن نقش دیده بان ملی را ایفا نمایند؛ البته به شرط اینکه این جایگاه برای ایفای نقش حاکمیتی و بعضاً مرتبط با امنیت ملی کشور به رسمیت شناخته شود و امکانات و ابزار لازم را نیز متناسباً در اختیار بگذارند.

#### دکتر غلامرضا ذاکر صالحی : عضو هیات علمی موسسه



استاد عزیز دکتر بازرگان یک الگوی تیپ ارائه فرمودند که بدلیل ضیق وقت به جزئیات آن توجه لازم از سوی حاضران نشد. بحث محیط بیرونی را ایشان مطرح کردند. بحث پیامدهای اجتماعی، انتشارات، مشاوره، بیانگر برون گرایی موسسات است که در سخنان ایشان بود. نمی توانیم صرفاً به بحث های اجرایی فعلاً بپردازیم و اشتباهات گذشته را مستمراً تکرار کنیم. در ارزیابی موسسات سه اشتباهی که تا بحال انجام شده در ایران و در کشورهای جهان سوم با آن روبرو هستیم، اینهاست: اول- مشکل صحت دیتاهاست. ارزیابی درونی و بیرونی متکی به دیتاها هست. در کشور ما چون فرآیند راستی آزمایی نیست، خود اظهاری ها ملاک قرار میگیرد و وقتی پژوهشگاهها کنار هم قرار می گیرند، مدعی می شوند و معترض، چالش دوم - سیاسی شدن ارزیابی است که به سرعت سیاسی

می شود در یک محیط آلوده سیاسی. سومین چالش این است که ارزیابی بیرونی بهانه می شود برای مداخله حداکثری نهادهای ارزیابی کننده. این چالش را می توانیم برای ارزیابی پژوهشگاهها از آن پرهیز کنیم. در همین سطح بندی دانشگاهها اکثر دانشگاهها اعتراض داشتند که چرا دانشگاه ما در سطح B یا C قرار گرفته است. در گروه مطالعات تطبیقی این موسسه می گوئیم مطالعه تطبیقی یک لنز است که می توانیم در شعاع دور یا نزدیک آن را قرار دهیم و آینه (تعبیردکتر بازرگان) و لنز خیلی بهم شبیه اند. در موضوع ارزیابی پژوهشگاهها هم ما از دیگران باید یاد بگیریم. بایستی یک تیم تشکیل شود و هندبوکی برای ارزیابی موسسات پژوهشی تدوین و چاپ شود. راه دیگر نگرستن به تجارب کشورهای موفق است. چون وضع فعلی ما مترادف با وضع ۲۰ سال گذشته آنهاست و وضع کنونی آن ها ۲۰ سال آینده ما است. تجربه این را نشان داده که معمولا این طوری هست. پس این راه میانبری است برای ما که بنیم آنها برای حفظ و حراست از علوم پایه چه کار می کنند، برای تامین چالش مالی چه می کنند، برای ارتباط با صنعت چه الگوهایی دارند؟ برویم یاد بگیریم و الهام بگیریم. مسئله دیگر اینکه این جلسات صرفا طوفان ذهنی خواهد بود، یعنی ما فقط image هایمان (تصاویرهایمان) را برای آینده موسسات پژوهشی. بیان می کنیم. چون آمار و ارقام و فکت عینی نداریم. بنابراین این جلسات ابتر است و کار مطالعاتی تلقی نمی شود. برای یک کار آینده پژوهی باید هم روندها هم رویدادها و هم تصورات با هم مطرح و تلفیق شود. اکنون در این جلسات رویدادها (events) را نمی گوئیم، چون برای پیش بینی رویدادها مرجعیت نداریم. ترندها را هم نمی دانیم. سیرتحوّل به زبان آمارهای واقعی بحث نمی شود. پس اعتراض دکتر روشن به روش شناسی پیل وارد است. این ترندها، فکت علمی و آمار و ارقام می خواهد. درک من خبره نیست، من فقط می توانم تصویر ذهنی (image) خودم را از پدیده بیان کنم. برای event ها میشود از دیگران کمک گرفت که آیا در آینده چه اتفاقاتی ممکن است بیافتد که در سرنوشت موسسات پژوهشی اثر داشته باشد؟ اینها مثل جنگ یا صلح یا رکود اقتصادی و..... تاثیرات خیلی شدیدی بر موسسات پژوهشی می گذارند. بعد از تقاطع event ها و image ها و trendهاست که می توان آینده موسسات پژوهشی را مشخص کنیم. اگر مصادیق بیرونی و درونی خیلی مهم است اسم ببریم.

میزان مداخله دولت در امر پژوهش هم مهم است. موسسه در این زمینه کتابی (نقش دولت در پژوهش) هم چاپ کرده است. در مدیریت دولتی نوین موجی جدیدی بوجود آمده که خواهان مداخله و حمایت مجدد دولتها می شود. نکته بعد بحث تند و تیز شدن پاسخگویی در تولیدعلم است. پاسخگویی دارد آهنین می شود. پژوهشگاه اگر به دولت تکیه کند بخاطر منابع مالی که دولت می دهد، متقابلا دولت هم می خواهد مداخله کند و خروجی مشخص می خواهد. در واقع استقلالی می دهند ولی همزمان پاسخگویی بیشتر می شود. یک چالش جدیدی را بنام چالش پاسخگویی بوجود آورده است. دولت وصنعت می گویند در ازای پولی که می دهیم باید شما مساله حل کنید.

دکتر کیانوش محمدی روزبهانی: نماینده موسسه تحقیقات سازمان سنجش



پژوهش در اصل ریشه در صفات انسانی همچون میل به دانستن و کنجکاوی دارد. بنابر این برای درک ماهیت پژوهش لازم است به این توجه شود، چرا که برای ارزیابی از پژوهش، درک ماهیت آن شرط ضروری است. این زایش فکری که میل و انگیزه‌های درونی است باید خود به خود اتفاق بیافتد به این معنی که دستوری و بخشنامه‌ای نیست. این آفرینش فکری دو جنبه یا دو شرط اساسی دارد: یکی رشد فردی، که وابسته به آموزش است و ما در این زمینه به شدت مشکل داریم. کودکی که در آموزش‌های ابتدایی میل به جستجو و خلاقیت در او پرورش پیدا نمی‌کند، انتظاری نیست در دانشگاه هم بتواند کاری کند و این مسئله خیلی مهمی است. پوپر در اواخر عمر خود سخنرانی‌های جالبی دارد تعدادی از آنها در کتابی با عنوان "زندگی سراسر حل مسئله است" گردآوری شده است. از ایشان سوالی به این مضمون می‌پرسند که راه موفقیت پژوهشگران چیست؟ می‌گوید در جوانی هر مسئله‌ای داشتید، اگر دنبال آن بروید شما پژوهشگر موفق می‌شوید، یعنی مسئله‌ای که در وهله اول دغدغه و دلمشغولی خودتان است و نه سفارشی و بخشنامه‌ای. بنابر این ذات پژوهش در میل خود انسان است و باید شرایط آن فراهم شود. به نظر من در حال حاضر دانشگاهها و در کل تعلیم و تربیت، در پرورش پژوهشگر شرایط خوبی ندارند و ما خیلی موفق نیستیم. در زمینه این احساس انسانی و عمیق پژوهشی، ما پژوهشگر پرورش نمی‌دهیم و به نظر بنده آموزش پژوهش به آموزش یک سری فنون تنزل پیدا کرده است. آن میل به دانستن و کنجکاوی بسیار فراتر از مسائل پژوهشی است که در این زمینه صحبت‌های زیادی هست.

وقتی در مقام ارزیابی هستیم، باید بینیم چند تا پژوهشگر با کیفیت و پژوهش اصیل داریم، یعنی آن مسئله‌ای که بررسی می‌شود تا چه حد در استمرار علاقه درونی پژوهشگر است. به نظر می‌رسد در حال حاضر پژوهش‌های اصیل به این معنا کم است. در عوض نوعی پژوهش رایج شده است که اجازه می‌خواهد در کنار انواع تقسیمات پژوهشی، از نوعی پژوهش با عنوان **پژوهش مبتنی بر غم نان** نام ببرم. مانند تاکسی‌های در گردش که هر جا مسافر خورد می‌برند، هر موضوعی پیش آمد وارد می‌شوند. یعنی هدف بیشتر حل مسائل زندگی است تا مسئله پژوهش. در چنین شرایطی از پژوهش‌های اصیل و پیشرو کاسته می‌شود. پوپر می‌گوید در جوانی می‌شنیدم مارکسیست‌ها ادعا می‌کردند حرف ما درست است، چون علمی است، این سوال برای من پیش آمد که علمی چیست و این منجر شد به اینکه ۸۰ سال به این موضوع فکر کنم. بنابر این یکی از نشانه‌های پژوهشگر اصیل، تمرکز بر یک قلمرو موضوعی است که باید در ارزیابی لحاظ شود.

اما جنبه دوم پژوهش جنبه اقتصادی و اجتماعی کشور است. با وجود داشتن چند درصد منابع جهان، ما از نظر درآمدی کشور فقیری هستیم، تحت تأثیر چنین شرایطی چون انگیزه‌های انسانی متوجه نیازهای اولیه است، هم کیفیت آموزش و به دنبال آن کیفیت پرورش پژوهشگر و انجام خود پژوهش افت می‌کند. تاریخ دنیا نشان داده است هر گاه سطحی، ولو نسبی از رفاه فراهم باشد، زمینه برای رشد پژوهش‌های اصیل به وجود می‌آید. بخشی از این شرایط در گذر زمان و کاهش مشکلات اقتصادی حل می‌شود. اما نکته مهم آن است که ما از وضعیت‌مان تحلیل واقع بینانه‌ای داشته باشیم. شاید اگر ما نیز جای مدیران کشور باشیم فعلاً اولویت‌هایمان رفع نیازهای اولیه مردم باشد. درک این شرایط کمک می‌کند تا بهتر متوجه شویم چرا مراکز پژوهشی در نهادها و دستگاه‌های دولتی آن جایگاه واقعی خود را ندارند و مدیران خیلی منتظر نتایج تحقیق نیستند. و نکته آخر و بسیار اساسی آن است که ارزیابی در تمام کلیت خود فقط در فضای دموکراسی شکل می‌گیرد و میسر می‌شود. باید اقرار کنیم که هنوز تفکر دموکراسی در کشورمان نوباست و ما در وضعیت تمرین دموکراسی هستیم. بنابر این بروز رفتارهای غیر دموکراتیک در فضای پژوهش نیز خیلی دور از انتظار نیست. اینکه بعضی از مدیران تمایل دارند بیش از هر چیز بر اساس تجربه مدیریت کنند و پژوهش را امری تشریفاتی تلقی کنند جوهری از منش اقتدار گرایانه در آن وجود دارد. در این صورت ارزیابی نیز مانند خود پژوهش، اهمیت و کارکرد واقعی خود را نخواهد داشت. نتیجه اینکه وقتی بحث ارزیابی مطرح می‌شود باید زمینه‌های مختلف آن دیده شود که به بعضی از آنها اشاره شد. بخشی از این زمینه‌ها اقتصادی و اجتماعی است که به نظر می‌رسد باید یک روندی طی شود و از مشکلات کاسته شود تا زمینه برای این رویش‌ها فراهم شود و البته آموزش از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند بعضی از کاستی‌ها را جبران کند و به این روند سرعت بدهد.

## دکتر حجت اله مرادی پور: معاون مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم



ایشان در ابتدای مباحث خود ضمن ارائه گزارش مختصری از تلاش مرکز نظارت و ارزیابی آموزش عالی وزارت عتف در جهت استقرار کامل نظام نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت علوم، تحقیقات و فناوری به اقدامات انجام شده در این زمینه از جمله انجام مدیریت عملکرد صف و ستاد وزارت عتف، تشکیل کمیسیون و کارگروه‌های نظارت و ارزیابی حوزه‌های پژوهش و فناوری هم چنین فرهنگی و تنوع بخشی به ارزیابی زیرنظام آموزش عالی اشاره نمودند. در ادامه با توجه به ابهامات وارده توسط مدعوین محترم به پانل آینده پژوهی ارزیابی مؤسسات پژوهش و فناوری، اظهار نمودند که تمرکز مباحث ارائه شده حول مفاهیم بنیادی پژوهش و متقابلاً کم‌رنگ بودن مباحث آینده پژوهش و بطور خاص آینده پژوهی پژوهش و فناوری موجب این ابهام گردیده است. ایشان با استناد به کم و کیف مباحث ذکر شده در این پانل، نتیجه گیری نمودند که در هر دو حوزه آینده پژوهی پژوهشگاه ها و مؤسسات پژوهشی و هم چنین ارزیابی پژوهش و فناوری کار چندانی صورت نگرفته است. ایشان با یادآوری سه دهه تجربه در امور ارزیابی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی که موجب گردیده در این حوزه از نظر دانش ارزیابی و چگونگی انجام کار به غنای لازم دست یابیم ذکر نمودند که متأسفانه در ارزیابی حوزه پژوهش و فناوری با تجربه اندک مواجه هستیم. لذا مرکز متبوع ایشان برای انجام مأموریت ارزیابی پژوهش و فناوری- در سطح مؤسسات پژوهشی و فناوری و فعالیت های پژوهش و فناوری دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی- با دقت بیشتر بدنبال مطالعه کامل وضع موجود و تمهید ساز و کار لازم از جمله مدل ارزیابی، شاخص‌های متناسب با اهداف ترسیم شده در این حوزه و ساختار لازم برای نظارت و ارزیابی پژوهش فناوری است و امیدوارم هستند که حداکثر تا پایان سال جاری به این مهم دست یابند. لازم به توضیح است که کارگروه پژوهش و فناوری با راهبری جناب آقای دکتر منتظر در پی شناسایی تمام تجارب داخلی مربوطه هم‌چنین تجارب بین المللی و سازمان‌های بین‌المللی، هم‌چون مطالعات فراسکاتی، اسلو و اتحادیه اروپا است.

### آقای دکتر بازرگان :

باید بدانیم می خواهیم فراسوی کلان را ارزیابی کنیم کلان را یا خرد را ارزیابی کنیم؟ شما گرفتار فراسوی کلان هستید. نکته بعد یک وضع مطلوب یک وضع موجود و یک وضع ممکن که شناخت آن بیهوده است. اگر می خواهیم کار جدی کنیم یک کمیته ارزیابی پژوهشی بایستی تشکیل دهیم.



دو هفته پیش هم جلسه داشتیم دغدغه ارزیابی و ارتقاء بوده، بحث بودجه را پیشنهاد دادیم و در آن جلسه خود سازمان بودجه حضور دارد، عملاً کار عملیاتی صورت نگرفت و هر چه پیشنهاد دادیم، بدلیل ضعف تئوریک که داشتیم خود سازمان برنامه تئوری گذاشت. دانشگاه توانست به اتفاق به یک مدل ارزیابی رسیدند و به بودجه ریزی وصل شد و باعث شد که ۱۰۰٪ بودجه را اختصاص بگیریم ولی در جلساتی که سازمان برنامه و بودجه تشکیل می شود به ما می گوید چرا شما نتوانستید به آن مرحله برسید که به بودجه ریزی وصل کنید؟ خواهشاً زمانی در جلسات بعدی بگذارید که ما برای بودجه ۹۸ بتوانیم حرف مشترکی برای شاخص هایی که برای بودجه ریزی است شاخص ارزیابی داشته باشیم. چون عملاً شورا به یک تاخر رسید و تعلل کرد و علاوه بر آن بودجه می گویند شما حق ندارید دانشجو بگیرید، یا چرا در عرصه بین الملل می خواهید فعالیت کنید و گفتند سال ۹۸ را به شما بودجه تخصیص نمی دهیم و این شکاف خیلی عمیق است و فاصله هم دارد و پیشنهاد می کنم نماینده سازمان برنامه بودجه هم حضور داشته باشد.

#### دکتر نسرین نورشاهی:

ما در روسای پژوهشگاهها دنبال این بودیم که حداقل در بخش خرد مدلی را توافق کنیم ولی با صحبت هایی که شد و نتایجی که از این پنل گرفتیم طی مباحثی که در سطح فراسوی کلان مطرح شد، در سطح کلان مدل های خرد مطرح شد که ارزیابی درونی و بیرونی چگونه انجام خواهد شد با فرض اینکه این پنل ادامه پیدا خواهد کرد و این کارگروه شکل می گیرد و در ادامه در همین ۳ تا سطح کار را دنبال می کنیم پایان جلسه را عنوان می کنیم.

#### دکتر مقصود فراستخواه (دبیر علمی میز):

- می توان از مجموع بحثها این چارچوب ارزشیابی با رهیافت آینده پژوهی و آینده نگاری را برای مؤسسات پژوهشی کشور توصیه کرد که پس از نقد و بررسی و گفتگوهای لازم یا راهبری اتاق فکر ملی مؤسسات پژوهشی اجرا می شود و مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی آمادگی نقش دبیرخانه ای برای این منظور را اعلام می کند. میز آینده پژوهشی آموزش عالی در مؤسسه می تواند برای هر یک از موضوعات خاص پنل های تخصصی تشکیل بدهد.



چارچوب برآمده از میز آینده پژوهی برای محافظت از آینده تحقیقات اثربخش در ایران

رصد آینده  
 تحقیقات در  
 ایران

- ارزیابی و آینده اندیشی وضعیت و محیط درونی و عملکرد مؤسسه بر مبنای ملاکها و نشانگرها
- تحلیل وارزشیابی آینده نگارانه کلان روندها در محیط آشوب بیرونی(ملی، منطقه ای، جهانی)
- شناسایی پیشرانها و بازدارنده ها و شگفتی سازها
- تصویر مشترکی از آینده و نیازهای نوپدید و متحول آینده
- تحلیل شکاف حال و آینده
- طرح های اقدام( آینده نگاری و پس آینده نگاری)

### زیستبوم تحقیقات

- شبکه های بین المللی و منطقه ای کیفیت
- اجتماع علمی، انجمنها و مجامع و نهادهای حرفه ای و تخصصی و میان رشته ای
- صنعت و خدمات کسب و کار
- نهادهای واسط
- دولت و سیاستگذاران اجتماعی
- جامعه محلی و ملی
- دیگر ذی نفعان بیرونی.....

اتاق فکر  
 مؤسسات پژوهشی

ارزیابی درونی  
 و آینده پژوهی  
 با مشارکت ذی نفعان

ارزشیابی بیرونی  
 با رهیافت آینده نگاری  
 و مشارکت همه ذی نفعان بیرونی

ایران دهه ۱۴۰۰ تا ۱۴۲۰ش  
 (۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰م)  
 جامعه دانایی و خلاقیت  
 رفاه اجتماعی  
 کیفیت زندگی  
 سهم شدن در دانش جهانی

بازخوردهای شناختی برای محافظت از آینده تحقیقات در ایران



✓ **فایلهای پی دی اف گزارش پیل های بیست گانه میز آینده پژوهی در سایت موسسه فهرست پیل ها برگزار شده**  
 میز آینده پژوهی آموزش عالی که از سایت میز با نشانی زیر به طور کامل قابل دریافت است.

محققان و منتقدان و متفکران در این عرصه لطفا با ملاحظات و نقدهای خود به بهبود عملکرد این میز و مباحث آن باری کنند

[https://irphe.ac.ir/index.php?sid=34&slc\\_lang=fa&slct\\_pg\\_id=695](https://irphe.ac.ir/index.php?sid=34&slc_lang=fa&slct_pg_id=695)

- پیل افتتاحیه میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران - مرداد ۱۳۹۳
- پیل دوم: ویژه برنامه ششم توسعه - شهریور ۱۳۹۳
- پیل سوم: سناریو نویسی و تنظیم راهبردها - مهرماه ۱۳۹۳
- پیل چهارم: آینده بین المللی شدن آموزش عالی در جهان- آبان ۱۳۹۳
- پیل پنجم: جهان متحول، دانشگاه ایرانی و آینده یاددهی - یادگیری - آذر ۱۳۹۳
- پیل ششم: آینده منابع مالی آموزش عالی - بهمن ۱۳۹۳
- پیل هفتم: آینده گسترش آموزش عالی در ایران - بهمن ۱۳۹۳
- پیل هشتم: آینده ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در ایران - خرداد ۱۳۹۴
- پیل نهم: جذب دانشجو در آموزش عالی غیر انتفاعی - آبان ۱۳۹۴
- پیل یازدهم: تأملی درباره شاخص های کمی و کیفی روند علم در ایران؛ برای درکی بهتر از آینده آن - بهمن ۱۳۹۴
- پیل دوازدهم: ضرورت تمرکززدایی و آینده حکمروایی خوب در آموزش عالی با تأکید بر ظرفیت های خودتنظیمی مناطق در کشور و آمایش منطقه ای سرزمین - خرداد ۱۳۹۵
- پیل سیزدهم: شبکه منطقه ای دانشگاه ها در کشور، ضرورت تفویض اختیار ساختاری به مناطق دانشگاهی و ارتقای سطح خود تنظیمی مناطق و استقلال دانشگاهی - تیر ماه ۱۳۹۵
- پیل چهاردهم: آینده برنامه ملی ایران برای یادگیری مداوم - آذر ۱۳۹۵
- پیل پانزدهم: آینده اندیشی سیاست های بومی گزینی در پذیرش دانشجو و پیامدهای آن - اسفند ۱۳۹۵
- پیل شانزدهم: آینده دانشگاهها و موسسات پژوهشی ایران در رقابتهای جهانی چه می شود - بهار ۱۳۹۶
- پیل هفدهم: محافظت از آینده علوم محض، پایه، بنیادی و الزامات سیاستگذاری آن - تابستان ۱۳۹۶
- پیل هیجدهم: آینده کلاس درس دانشگاهی ما - پاییز ۱۳۹۶
- پیل نوزدهم: بررسی وضع موجود و مطلوب و آینده اندیشی درباره وضعیت دوره های دکتری آموزش عالی - پاییز ۱۳۹۶
- پیل بیستم: آینده علوم و آموزش های ریاضی در ایران - پاییز ۱۳۹۶
- پیل بیست و یکم: نقش ملی دانشگاهها در شرایط پیش روی کشور (دانشگاه بودن در بحبوحه چالشها) - تیر ۹۷
- پیل بیست و دوم: آینده موسسات پژوهشی کشور با تأکید بر ارزیابی آنها؛ مفاهیم، روش ها و تجارت جهانی - مهر ۹۷